



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

مدیریت

انتقادی

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مدیریت انتقادی

نویسنده:

www.modiryar.com

ناشر چاپی:

www.modiryar.com

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	مدیریت انتقادی
۷	مشخصات کتاب
۷	الگوی خوبی برای تفکر انتقادی
۷	مهریونی
۷	دبلیو بوش
۷	ازدواج
۷	داماد
۸	برخورد با بی‌حجابی
۸	شاهکار مدیریت
۸	حرکت فرهنگی
۸	هاشمی رفسنجانی
۸	تست
۸	انتخابات فرانسه
۸	شنا
۸	بیشترین آمار سرقت
۸	سنگ صبور
۹	قدرت انتقاد سازنده
۱۲	سکوت
۱۲	دل من
۱۲	روش شناسی انتقادی: نگاه بوردیو به جهانی شدن
۱۴	خانه
۱۴	مهربانی

- ۱۴ چگونه انتقاد ، بشنویم و چگونه انتقاد کنیم
- ۱۷ خرد انتقادی، شالوده نگرش فعال NGO
- ۲۱ از نقد سند تا نقد متن
- ۲۲ روشهای موثر انتقاد سازنده
- ۲۴ آموزش سواد اطلاعاتی اینترنتی : یک ارزیابی انتقادی
- ۲۷ چگونه انتقاد کنیم
- ۲۹ خلاقیت ، تفکر انتقادی
- ۳۲ بیان اصول و آداب اخلاقی نقد علمی
- ۳۴ حیرت و پرسش، قلب تفکر انتقادی
- ۳۸ بررسی نقش تفکر انتقادی در زندگی اجتماعی
- ۴۱ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

مدیریت انتقادی**مشخصات کتاب**

عنوان و نام پدیدآور: مدیریت انتقادی / www.modiryar.com

ناشر: www.modiryar.com

مشخصات نشر دیجیتال: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه , رایانه

موضوع: مدیریت - انتقادی

الگوی خوبی برای تفکر انتقادی

کانت الگوی خوبی برای تفکر انتقادی است. تفکر کانت اساساً سنت شکن است. ۱۲ - ۱۷۲۴ April (۲۲ February ۱۸۰۴) was a German philosopher from Königsberg in East Prussia (now Kaliningrad, Russia). He is regarded as one of the most influential thinkers of modern Europe and the last major philosopher of the Enlightenment

مهربونی

Kindness is considered to be one of the Knightly Virtues, and is a recognized value in many cultures and religions (see ethics in religion) که یک سر مهربونی در دسر بی چه خوش بی مهربونی هر دو سر بی

دلبیو بوش

به ، ۱۲ دی ۱۳۸۷ ، ۲۳:۲۲ بوش بابا بی خیال جنگ !!! please.. stop war

ازدواج

A marriage is an interpersonal relationship with governmental, social, or religious recognition, usually intimate and sexual, and often created as a contract. The most frequently occurring form of marriage unites a man and a woman as husband and wife جشنه ، ۱۲ دی ۱۳۸۷ ، ۲۳:۲۶ ازدواج هر روز سخت تر از دیروز! ازدواج نمی کنم ، مگه زوره؟

داماد

ساد !!! "هیچی نشدیم ، حتی "داماد !!! "Bridegroom" من باید چه کار کنم تا پیشرفت کنم و یه چیزی بشم!!؟؟ باید چی داشته باشم تا به منم زن بدنند!!؟؟

برخورد با بی حجابی

veil الو مامانی !! اینا می گن حجابتو رعایت کن .حجاب یعنی چی؟؟!!

شاهکار مدیریت

برکناری محمد حسن انصاری فرد و حبیب کاشانی از پرسپولیس ؛ در عصری که شایستگان مدیریت ورزشی را در مسلخ سیاست سر می برند.

حرکت فرهنگی

یک جای دنیا به زور با حجابی ... !!! یک جای دنیا به زور بی حجابی ...!!!

هاشمی رفسنجانی

Hashemi Rafsanjani پس درسته می گن آقای هاشمی اصلاح طلبه ..!!!

تست

تست: کدامیک بداست؟ الف:سگ بازی □ ب:بی حجابی □ ج:هر دو مورد □ د:هیچکدام بد نیست □

انتخابات فرانسه

FRANCE PRESIDENT سارکوزی ۵۲ ساله بالاخره به آرزوش رسید.اونم باچه محبوبیتی!!طفلی سگولن رویال

شنا

S w i m شنا از جمله ورزشهایی است که پیامبر اعظم(ص)برآموختن آن تأکید فرموده اند. نیک اندیش: اما یه سوال ؛ برای آموزش همگانی این ورزش کاری انجام شده است؟

بیشترین آمار سرقت

مشخص شد پژو، پراید و پیکان بیشترین آمار سرقت را در بین خودرو های پایتختدارا هستند.سرهنگ سلطانی گفت: دلیلش فراوانی آنها نسبت به سایر خودرو ها و همچنین نداشتن تجهیزات ایمنی این خودروها و نقاط ضعفشان در هنگام تولید است به همین دلیل سارقان به سراغ این خودروها میروند زیرا سرقت آنها نسبت به بقیه خودروها سهل الوصول تر است .به نقل از:(nopa.blogfa.com) نیک اندیش :چه خوب میشه سمند هم به این جمع اضافه کنند !!!

سنگ صبور

fellow – feeling در این دنیای پر آشوب یافتن سنگ صبوری برای ملامت مصائب زندگی و برانگیختن احساس همدلی و

همدردی کاری است بس سخت و نا ممکن چه اینکه همه بدنبال سنگ صبوریم و یافت می نشود

قدرت انتقاد سازنده

نوشته: پروفیسور هندری وایزنینگر

ترجمه: دکتر سید مهدی الوانی، محمدرضا ربیعی مندجی

گرد آوری: مهدی یاراحمدی خراسانی

POWER OF CRITIC

مقدمه:

انتقاد؛ پیچیده، مهم و ضروری است. باید به یاد داشت که هیچ شغلی، از انتقاد معاف نیست. انتقاد در کار، وجه مشترک همه‌ی ما است که نتایج مطلوب تر را همراه دارد.

انتقاد وسیله‌ای است برای انگیزش، آموختن، توسعه، آموزش و ایجاد روابطی قوی، تبادل اطلاعات، تاثیر گذاشتن و برانگیختن. برای بهره‌مندی از نتایج سحرانگیز "انتقاد"، شیوه‌ی عملی آن را در قالب بیست توصیه تنظیم و جهت استفاده تقدیم می‌دارد. اول: استقبال از انتقاد: هر شغلی، انتقاد به همراه دارد. فرقی نمی‌کند که شما رییس جمهور، معلم، بانکدار و یا مامور دولتی باشید. کار شما به هر حال انتقاداتی در پی داشته و شما باید با روحیه‌ای مثبت از انتقاد استقبال کرده و از آن در جهت بهبود کار خود استفاده کنید. انتقاد تنها کلمه‌ای است که مفهوم ارزیابی را نیز در بردارد. بنابراین انتقاد یعنی انتقال نتایج ارزیابی. تمرین برای انتقادپذیری: در قدم اول یک عبارت مثبت درباره‌ی انتقاد را روی کارت بنویسید و آن را در جایی قرار دهید که در دید شما باشد. هر بار که شما و دیگران آن را ببینند باعث می‌شود دیدگاه مثبت شما درباره‌ی انتقاد تقویت شود؛ جملاتی از قبیل انتقاد اطلاعاتی است که باعث رشد من می‌شود، انتقاد مهارت‌ها و دانش مورد نیاز را به من آموزش می‌دهد. قدم دوم کمی مشکل، اما بسیار با ارزش تر است. شما باید از دیگران بخواهید از شما انتقاد کنند. صادقانه از آنان بپرسید؛ به نظر آنان شما چگونه می‌توانید کارهایتان را بهتر انجام دهید.

دوم: به طور استراتژیک انتقاد کنید: قبل از اینکه انتقاد کنید، این سوالات را از خود بپرسید: دقیقاً چه چیز را می‌خواهم بیان کنم؟ چه چیز را می‌خواهم تغییر دهم؟ انگیزه و محرک من برای بیان این انتقاد چیست؟ چه راه حل‌ها و اهداف خاصی را می‌توانم ارائه کنم؟ در مورد موقعیت‌های غیر قابل پیش بینی که نیاز به عکس العمل‌های فوری دارد، چه باید کرد؟ قبل از انتقاد کردن از زیر دست یا همکار، این سوال استراتژیک را از خود بپرسید: «چگونه این اطلاعات را مطرح کنم که او پذیرای آنها باشد؟»

سوم: بهبود گرا باشید: دو روش برای انتقاد بهبود گرا: اول، شما نوک پیکان انتقاد را متوجه آینده کنید. به جای اینکه به کارآموز خود بگویید: «در ارائه داده‌ها عملکرد ضعیفی داشتی»، بگویید: «دفعه‌ی بعد برای نمایش اطلاعات از او رهد استفاده کن». روش

دوم: پیامی دهید که باعث تقویت اعتماد به نفس او شود؛ «اطمینان دارم که موفق می‌شوی». با این ذهنیت، کارآموز به جای این که از عملکرد گذشته‌ی خود دفاع کند، با تمام انرژی برای بهبود عملکرد آتی خویش تلاش می‌کند و ماهیت انتقاد به جای سرکوب‌گر، بهبود‌گر می‌شود.

چهارم: حفظ خودباوری: چگونه می‌توانید هنگام انتقاد از فردی، مراقب احساس خود باوری او نیز باشید؟ اولاً، "از کلمات و انتقادات سرزنش‌آمیز استفاده نکنید، که بدون شک تحقیرآمیز تلقی خواهد شد و شانس کمی برای درک مثبت آن باقی می‌ماند. ثانیاً، با حفظ خود باوری فرد، می‌توانید از شخصیت او دفاع کنید. بجای استفاده از عبارت‌های؛ درست/غلط/ امکان ندارد، عباراتی مانند "، شاید شما از این مطلب اطلاع نداشتید ("، حتی اگر فکر می‌کنید که اطلاع داشته است)، استفاده کنید. تصور او از شما به عنوان مرجعی قابل اطمینان که نظریاتش شایسته توجه و دقت است، تغییر پیدا می‌کند. متعاقباً او از انتقادات بعدی با آغوشی باز استقبال می‌کند.

پنجم: کلمات صحیح انتخاب کنید: در درجه‌ی اول اطمینان حاصل کنید آنچه را که می‌گویید، همان چیزی است که در ذهن دارید. در بسیاری از مواقع، تغییر جزئی کلمات، باعث تفاوت‌های بزرگی می‌شود. اگر هنگام انتقاد بگویید "؛ کار شما زیر استانداردهای ماست،" به طور قطع باعث بیدار شدن حس دفاعی او می‌شود. در حالی که اگر بگویید "؛ کار شما فقط کمی با استانداردهای ما تفاوت دارد،" این حالت را به وجود نمی‌آورد. به جای «هرگز یا همیشه»، پیشنهاد می‌شود؛ «گاهی اوقات» استفاده شود. کلمه‌ی دیگری که نتایج مخرب در پی دارد، عبارت «باید» می‌باشد. کلمه‌ی «می‌توانی» را آزمایش کنید.

ششم: انتقادات خود را نقد کنید: فقط به دلیل این که چون انتقاد، اطلاعات با ارزش را در اختیار شمار قرار می‌دهد و با استفاده از آن‌ها می‌توانید خود و کار خویش را بهبود بخشید، نمی‌توانید هر انتقادی که به شما وارد می‌شود را به کار ببندید. از سوی دیگر، فقط چون یک انتقاد خاص، احساسات شما را خدشه‌دار ساخته است، دلیل نمی‌شود که شما فوراً هر انتقادی را نادیده بگیرید. به هر حال اگر درباره‌ی انتقاد درست فکر کنید، انتقاد می‌تواند برای شمار بسیار مفید واقع شود.

بنابراین برای دست‌یابی به یک نقد سازنده درباره‌ی انتقاد، شایسته است ویژه‌گی‌های زیر را در نظر داشت:

۱- باید به خاطر داشته باشید که اهمیت انتقاد همواره ثابت نیست، بلکه با توجه به نیاز شما و نیاز دیگران و محیطی که انتقاد در آن رایج شده است، تغییر می‌کند.

۲- به یاد داشته باشید که علاقه‌ی شما نسبت به یک فرد، نشانه‌ی صلاحیت او برای انتقاد از کار شما و همچنین احساسات منفی شما نسبت به یک مشتری یا همکار، دلیل مناسبی برای نادیده گرفتن گفته‌های آنان تلقی نمی‌شود.

۳- پاسخ دادن به جملاتی که متأثر از جو احساسی است، فقط وضعیت را وخیم‌تر می‌کند.

هفتم: مخاطب خود را در فرآیند انتقاد شرکت دهید: شرکت دادن مخاطب در فرآیند انتقاد و ارتباط متقابل و با روشی مثبت، یک هم‌افزایی synergy به دنبال دارد. مثلاً ممکن است شما به جای صدور دستوراتی مبنی بر انجام یا عدم انجام کار، با دستیار خود در حل موقعیت مورد انتقاد، همکاری کنید. با استفاده از تکنیک پیش‌بینی و بکار بردن جملاتی نظیر «این نظر من است. البته می‌دانم که ممکن است نظر شما متفاوت باشد، خوب مسئله‌ای نیست، و شاید هم موافق باشید»، او را در انجام تغییرات کمک کنید.

هشتم: بدون (هیچ و اما)، شایستگی‌ها را متذکر شوید: انتقاد یعنی ارزش‌یابی شایستگی‌ها و عدم شایستگی‌ها. با بکار بردن کلمه‌ی «اما» در ابتدای سخن، تاثیر عبارت مثبت را از بین خواهید برد. در حالی که کلمه‌ی «اما» تاثیر منفی بر پیام قبل از خود می‌گذارد، حرف «و» تاثیر مثبت به دنبال خواهد داشت. مخاطب شما به جای اینکه فکر کند؛ «من شکست خورده‌ام» به خود می‌گوید «نکات مثبت فراوانی در کار من وجود دارد و اگر برخی چیزها را هم درست کنم، عملکرد من بهتر خواهد شد». گرچه استفاده از حرف «و» به جای «اما» تغییر کوچکی به نظر می‌رسد ولی تاثیرات آن در درازمدت، پر قدرت است.

نهم: به آن‌ها بگویید که چه چیز می‌خواهید: با ارایه‌ی یک انتقاد روشن، می‌توانید مخاطب خود را در اصلاح رفتار و نحوه‌ی عملکرد کمک کنید. این توصیه می‌تواند برای مخاطب یک پیام مشخص و روشنی داشته باشد: "اگر لغو جلسات را به دقایقی قبل از شروع جلسه موکول نکنی و سهم خود را در کار به موقع انجام دهی و در مورد تلاش دیگران مثبت‌تر قضاوت کنی، می‌توانی روابط خود را با همکارانت بهبود بخشی." "

دهم: وقت‌شناس باشید: چه زمانی برای انتقاد مناسب‌ترین است؟ آیا بهتر است در خلوت انتقاد کنیم یا در جمع؟ چقدر باید منتظر بمانید تا زمان انتقاد فرا رسد؟ هیچ‌گاه با عصبانیت از کسی انتقاد نکنید. زیرا ممکن است انتقاد شما تحت تاثیر احساسات قرار گیرد. وقتی احساس شود پشت انتقاد مطرح شده محرک‌های احساسی و عصبانیت شدید وجود دارد، از درجه‌ی اعتبار ساقط شده و تاثیر خود را از دست می‌دهد. هیچ‌گاه افرادی را که عصبانی هستند مورد انتقاد قرار ندهید. عصبانیت باعث تغییرات فیزیولوژیکی در مغز شده و در نتیجه از عقیده‌ی خود سرسختانه دفاع می‌کند. از خود پرسید، آیا این مناسب‌ترین زمان برای انتقاد است؟ آیا ضروری است که آلاّن انتقاد کنم؟ آیا او شرایط روحی مناسبی دارد؟ پاسخ این پرسش‌ها به شما کمک می‌کند تا وقت‌شناس شوید.

یازدهم: از سوالات سقراطی استفاده کنید: برای تشویق مخاطب به منظور یافتن جواب از روش پرسیدن سوال استفاده می‌شود. هنگامی که افراد راه‌حل‌ها را خودشان پیدا می‌کنند، اعتماد به نفس آن‌ها تقویت شده و احساس شایستگی و قدرت می‌کنند. حُسن دیگر آن این است که چون مخاطب، راه حل خود را اجرا می‌کند، احتمال اینکه اقدامات مورد نیاز بعدی را نیز دنبال کند افزایش می‌یابد.

دوازدهم: وقتی کلمات کار ساز نیستند: وقتی رفتار مورد انتقاد حتی با وجود انتقادات دایم تکرار می‌شود. به جای آنکه چیزی بگویید، کاری انجام دهید:

۱- مشخص کردن انتقاداتی که به طور دایم بیان کرده‌اید.

۲- رفتاری را در پیش بگیرید که مخاطب را مجبور به تغییر کند.

۳- در اقدامات خود، استمرار داشته باشید.

۴- اگر مشکل همچنان حل نشده باقی ماند، رفتار دیگری را به کار گیرید.

سیزدهم: از انتقادات خود بهره ببرید: از انتقادات شتاب‌زده دوری کنید. از تجربیات گذشته به عنوان پایه و معیار استفاده کنید. اگر توقع دارید که فروشندگان شما میزان فروش رادر سال آینده ۳۰ درصد افزایش دهند، ولی تجربیات قبل نشان می‌دهد که بهترین میزان افزایش فروش ۲۰ درصد بوده است، بنابر این شما انتقاد خود را بر اساس یک توقع غیر معقول بنا کرده‌اید.

چهاردهم: تصدیق کنید که انتقاد، امری ذهنی است: اگر شخصی در جواب انتقاد شما گفت «این عقیده‌ی شما است»، لطفاً به نظر او احترام بگذارید. حتی اگر بر یک واقعیت عینی استوار باشد، این ارزیابی ذهنی شماست که مسئول قضاوت درباره‌ی اهمیت یک روش یا رفتار خاص است. بطور مثال، «کار تو باید بهتر انجام شود» یا «تو به آن خوبی که باید باشی نیستی» و... تمام این انتقادات به عنوان واقعیت مطرح شده است؛ در حالی که آن‌ها صرفاً قضاوت شما هستند. ممکن است دیگران درباره‌ی همان موضوعات، قضاوت‌های دیگری داشته باشند.

پانزدهم: در انتقادات خود انگیزه‌ای قرار دهید: اگر در مخاطبان شما پس از انتقاد، تمایل به بهبود در کار دیده شود و ادامه یابد، احتمالاً انگیزه‌ی کاملاً مناسبی در بطن انتقاد شما وجود داشته است که مخاطب به جای احساس اجبار، احساس تمایل نشان می‌دهد. شانزدهم: از دنیای مخاطبان خود استفاده کنید: استعاره به شما اجازه می‌دهد از مسیری وارد دنیای مخاطب شوید که برای او معنی دار باشد. اگر مخاطب شما به ورزش علاقه دارد، از یک استعاره ورزشی استفاده کنید.

هفدهم: پی‌گیر باشید، پی‌گیر باشید، پی‌گیر باشید: مهمترین فایده‌ی پی‌گیری این است که مخاطب می‌فهمد که شما واقعا قصد دارید به او کمک کنید. او اطمینان می‌یابد هر انتقادی تلاش دو طرفه برای بهبود بوده و چشم انتظار انتقادات بعدی شما خواهد بود. به محض آنکه متوجه پیشرفتی شدید، مستقیماً با فرد صحبت کنید. قدردانی شما مانند یک محرک مثبت عمل کرده و مخاطب را قادر می‌سازد که بهتر از قبل عمل کند.

هجدهم: معیارهای خود را برای انتقاد بشناسید: انتقاد بیانگر منطق شما در ارزیابی است. مواردی که از نظر شما اهمیت داشته، معیارها و استانداردهای شما را مشخص می‌کنند. گاهی اوقات بهتر است معیارهای خود را نشان دهید. مثلاً ویراستاری که مجبور بود برای اینکه هر بار با نویسنده‌ای جدید کار کند، یک نسخه از کتابی را که از دیدگاه خویش، بیانگر شیوه‌ی درست نگارش یک کتاب مدیریت بود، برای او ارسال و معیار خود را به مخاطبش نشان داد، و نویسنده را از روش، سبک و سیاق خود آگاه ساخت.

نوزدهم: به خودتان گوش دهید: آنچه که به خود می‌گویید نظارت کرده و ببیند آیا کمک‌کننده هستند یا آسیب‌زننده. هر روز به مدت پنج دقیقه با آرامش نشسته و به گفتگوی درونی که در آن لحظه در ذهن شما جاری است گوش فرا دهید. این تمرین را به مدت یک هفته ادامه دهید در موقعیت‌های بسیاری؛ هنگام ورزش و جلسات اداری، به افکار درونی و شنیدن گفتگوی درونی خود تمرکز کنید. اگر شنیدید که به خود می‌گویید؛ «او می‌خواهد مرا سرزنش کند»، با این جمله، اثر آن را خنثی کنید؛ «واقعاً از کجا می‌دانم؟ شاید او فقط می‌خواهد به من بگوید چگونه کارم را بهتر انجام دهم». یک روش خوب برای تمرین: ۱- مسایل را برای خودت تشریح کن ۲- به آنچه که می‌گوید گوش کن ۳- می‌توانم از این وضعیت چیزهایی یاد بگیریم. ۴- یک نفس عمیق بکش و به عقب تکیه بزن.

بیستم: خونسرد، آرام و متمرکز باشید: اگر برانگیختگی شما کنترل شده نباشد، چالاکی ذهنی خود را از دست می‌دهید. اگر مخاطب باشید نسبت به انتقاد قفل، و اگر منتقد باشید، نسبت به دیدگاه‌های خود، سرسخت شده و فکر می‌کنید حق با شماست. اولین راه: اگر انتقاد کننده هستید، عصبانی تر و مضطرب‌تر از آن هستید که انتقاد کنید. نفس عمیق بکشید تا خونسردی خود را حفظ کنید. دومین روش، تمرینات آرام بخش است. یک تمرین آرام بخش انتخاب کنید و آن را به مدت ده روز تمرین کنید.

سکوت

من نمی‌توانستم سخن بگویم؛ پس به سکوت پناه بردم که تنها زبان دل آدمی است. (جبران) silence I COULD not
(talk:so I resorted to silence, the only language of the heart. Jibran)

دل من

دل من اگر نشکند پس چگونه درک خواهد شد... جبران My Heart HOW SHALL my heart be unsealed
unless it be broken?...Jibran

روش شناسی انتقادی: نگاه بورديو به جهانی شدن

ولی الله رمضان

یکی از بارزترین پدیده‌های علوم اجتماعی، در علوم انسانی روش انتقادی است. این روشها چه با نظامی فلسفی، جامعه‌شناسانه، انسان‌شناسی و... همگی، هم ضروری هستند و هم آسیب‌پذیر. ضروری هستند چون پویایی این روشها و محتوای آنها را (علوم)

تضمین می‌کنند و آسیب‌پذیرند چون خطر دگرگونی و گرایش به فرمالیسم را با خود به همراه دارند. غالباً انسا نها کمتر از نقد رضایتمند اند و از این روی منتقدین همیشه با روی خوش مواجه نمی‌شوند. از سویی دیگر می‌بینیم که یکی از راههای اعتبار پذیری علمی، بویژه در عصر حاضر و در سنت مدرن، گرایش به همین روش‌های انتقادی است، آنهم در فضایی علمی و نه اخلاقی و ارزشی، آنگونه که در کشمکش‌های سیاسی و ژورنالیستی کمابیش قابل رویت است. از این روی، عده‌ای تفسیر و توضیح خود پدیده "نقد" پرداخته‌اند، بویژه در قلمرو ادبی که هم گسترده‌تر و هم نقد‌پذیر تراند... بهر حال خود بررسی تکنیک‌های نقد، بدون در نظر گرفتن اهمیت مثبت و منفی بودنش، می‌تواند در علمی کردن بیشتر این جریان و فعالیت‌های این علوم نقش داشته و بستر کشمکش‌ها را متعادل‌تر و منطقی‌تر سازد. بنا بر این در اینجا تلاش می‌شود نمونه‌هایی از نقد معاصر برای علاقمندان ارائه گردند.

پیر بوردیو یکی از منتقدان بارز در علوم اجتماعی معاصر است در ذیل یک نمونه کاربردی از روش دست‌یابی به چنین نقدی ارائه می‌گردد. بوردیو در مقاله "سیاست جهانی شدن" ترجمه جناب پرویز صداقت در همین پایگاه می‌نویسد: «جهانی شدن به تقدیر نیست، سیاست است، از این رو، سیاست مخالفت با تمرکز قدرت و جهانی شدن، امکان‌پذیر است...». بوردیو مقاله خویش را با جمله مذکور شروع کرده است. یک ظرافت روش‌شناختی در این جمله مشهود است. او برای نشان دادن مخالفت خود با آنچه به روند جهانی شدن مرتبط می‌گردد، دست به ابتکاری زیبایی می‌زند و آن این است که نخست با تعریفی نو از مفهوم جهانی شدن: یعنی سیاست دانستن آن، این دیدگاه را ضربه‌پذیر می‌کند. بوردیو عملاً پدیده مورد نظر را: «جهانی شدن»، به جایگاهی هدایت می‌کند که آسیب‌پذیر است: یعنی "سیاسی بودن" و برای مقابل با آن، از ابزار و قالبی تخریبی بهره می‌گیرد، ابزاری که با تعریف خود هماهنگی و همخوانی داشته باشد: یعنی "سیاست مخالفت کردن". بوردیو خوب می‌داند که اگر جهانی شدن را یک "تقدیر" بدانند، بدین سهولت قادر نیست تا بر آن یورش ببرد. یکی از شیوه‌های چنین برخورد انتقادی به یک پدیده، نخست، محدود کردن آن در بستر تحرکی و جنبشی آن است. چرا که امکان فرار و یا طرفه رفتن را از او سلب می‌کند و یا بطرز قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌دهد. قلمرو و محدودیت سیاست به مراتب محدودتر از محدوده تقدیر است. نکته دیگر ابزاری است که برای درهم‌کوبیدن موضوع، معرفی می‌گردد. بوردیو در اینجا با طرح "تمرکزگرایی قدرت"، ابزار عینی و روشمندی معرفی می‌کند که از ویژه‌گی طبقه بندی برخوردار است. البته او آنجا که راه حل "عدم تمرکزگرایی" را معطوف به جبرگرایی ضمنی در عمومیت و عام بودنش (بین‌المللی بدون) می‌کند، عملاً از بُرندگی ابزار خود، در این نقد می‌کاهد. او راه حل خود را "سیاست سیاست زدایی" و یا "قدرت زدایی" می‌یابد. (قدرت نیروهای اقتصادی). بوردیو، هم از طریق اندیشه و هم عمل (که البته کمی شعارگونه می‌نماید)، سیاستی را مطرح می‌کند که هم به جنبش اتحادیه‌ای و سیاسی در محدوده‌ها و مرزهای ملی و هم فراتر از دولت‌های ملی می‌تواند ارجاع داده شود. او در تحلیل خود از چگونگی و امکان شکل‌گیری نیروهای اقتصادی در سطح جهانی سخن می‌گوید و اینکه آنها دارای ابزارهایی هستند که در مقابل نیروهای سیاسی مقاومت می‌کنند... از سویی دیگر او به ذکر نیروهای سیاسی "مخالف جهانی شدن" که در تنوع فراوانی هستند و از برخی تواناییهای مشترک بهره می‌برند (ویژگیهای خانوادگی) می‌پردازد. او این نیروها و تواناییها را دارای سابقه‌ای تاریخی، جمع‌گرا و اشتراک‌پذیر معرفی می‌کند (نمونه تجربه‌های کمونیستی). پس ویژگی اول آنها، نتیجه تجربه سنتی تحرک سیاسی است. او ویژگی دوم این جنبش‌های اجتماعی را "روش قرار گرفتن اولیت‌ها" ذکر می‌کند (مسکن، اشتغال، بهداشت...). اینجا با نکته‌ای مهمی روبرو می‌شویم و آن توجه به ترتیبات و اولیت‌ها، در یک فرایند انجام و عمل است. او ویژگی سوم این جنبش‌ها را، "شیفتگی" نسبت به عمل مستقیم می‌بیند. چهارمین ویژگی را، "همبستگی نیروی محرک" می‌نامد. (شبکه روابط مناسب برای تقسیم قدرت و منافع). در اینجا نظر مابه اهمیت و ضرورت مطالعه شبکه‌های گروه‌های اجتماعی جلب می‌شود. بوردیو برای هر شبکه اهداف مشترک در نظر می‌گیرد.

این اهداف می‌توانند در انواع گوناگون کوتاه مدت و دراز مدت مورد بررسی قرار بگیرند... تاکید بودیو بر ابزار اتحادیه‌ها، برای حل این مشکل جهانی شدن، با این مشکل اساسی روبروست که اتحادیه‌ها لزوماً قدرتهای باثبات و بادوامی نمی‌توانند محسوب گردند. نخستین ضعف کاربردی آنها این است که در موارد بحران و انقلابی و یا کوتاه مدت با بعد و بُرد کوتاهی عمل می‌کنند. بنیاد تجمع نیروهای پایدار را باید در پدیده‌های بانفوذتری (مثل ادیان) جستجو کرد. چرا که دامنه نفوذ ادیان به محرک‌های صرف محدود نمی‌گردد بویژه زمانی که تجمع‌ها شدیداً، نیازمند تجدید نیروی فعال و جوان اند... بودیو با تاکید بر گسترش پایدار شبکه‌ای جهانی سخن می‌گوید که ظهور و دام جنبش‌های اتحادیه‌ای را امکان‌پذیر می‌سازد. او در آرزوی طراحی یک نیروی سازمان‌یافته برای مقابله با جریان "جهانی شدن" است. این به مانند جنگی می‌ماند که ما تمام انرژی خود را برای جمع‌آوری و انسجام نیرو بکار ببریم ولی برنامه شفاف و از پیش مطالعه شده‌ای برای مقابله با دشمن ارائه نکنیم و یا آن را به شرایط آتی موکول سازیم... اصولاً- بودیو، چرا جهانی شدن را مورد انتقاد قرار می‌دهد؟ آیا جهانی شدن یک نوع بازگشت نوین به گذشته یکپارچه و محدود بسط است، (درحالی‌که محدودیت را در یک چشم انداز نسبیّت گرایبی داراست)؟ آیا با نگاهی فلسفی، این بازگشتی به خویشتن است؟ یا این نفی آرزوهای دور و درازی نیست، که در نگاه دینی به تعبیری، بشر را وادار به ایجاد فاصله‌ها کرده است (مهاجرت)؟ آیا جهانی شدن یک نوع بازگشت مسافران و مهاجرانی است که قرن‌هاست پراکنده بوده و از این پراکندگی و عدم امنیت حاصل از آن است به جان آمده‌اند؟ اگر این چنین است نقطه مرکزی و محور این چرخش کجاست و حرکت بازگشتی ما رو به کدام سرزمین و مرکزی دارد؟ آیا واقعا جهانی شدن تابعی از سیاست‌های مستور در قوانین اقتصادی است؟ موتور واقعی چنین حرکتی از کدامین منابع عینی یا پنهان ریشه گرفته است و به کدام سمت و سیاق در حرکت است و چه موانعی در مقابل خود می‌بیند و چگونه واکنشی در برابر آنها از خود نشان داده است؟ آیا اصولاً ما ناگزیر از جهانی شدنیم؟ آیا اگر این حرکت جهانی شدن را سد کنیم، جایگزینی برای آن در نظر داریم؟ آیا تنها زبان اقتصادی در برابر این پدیده لب به سخن گشوده است و یا می‌توان انتظار جهانی شدن به سبکی دیگر و در قلمروی دیگر را داشت؟... با این وجود مسئله‌ای که ما را به خود متوجه می‌سازد این است که جهانی شدن نسیم یک تغییر است، تغییری بزرگ است که همه ما را به چالش می‌خواند.

* <http://glo110.blogfa.com/post-319.aspx>

خانه

آیا اینجا محلی برای آرامش من است؟

مهربانی

k i n d هرکس به خانمانی دارد مهربانی من مهربان ندارم نامهربان من کو؟

چگونه انتقاد، بشنویم و چگونه انتقاد کنیم

آیا انتقاد سبب خشم و عصبانیت شما می‌شود؟ آیا شما نیز گاهی با سخنان انتقادآمیز خود موجب رنجش دیگران می‌شوید؟ آیا از ترس این که مبادا کسی را از خود برنجانید، در بیان مطالبی که آن را مفید می‌دانید، تردید می‌کنید؟ پاسخ این پرسش‌ها اغلب مثبت می‌باشد چرا که مردم معمولاً تمایل دارند انتقاد را به شکل منفی به کار برند و تعبیر و تفسیر کنند و یا به دلیل منفی بودنش از انتقاد کردن خودداری نمایند. اگر چند نفر را به طور اتفاقی انتخاب کنید و از آنان بپرسید «معنی انتقاد چیست؟» به احتمال زیاد خواهند گفت: «انتقاد اظهارنظری است مخرب، تحقیرکننده یا خصومت‌آمیز که هدفش عیبجویی است.»

چرا انتقاد در مفهوم رایج خود دارای تاثیر تا بدین حد مخرب و منفی است؟ در انتقادهای متداول، انتقاد کننده معمولاً به شکلی غیرمنصفانه فقط روی نقاط ضعف انگشت می‌گذارد. انتقاد به صورت متداول خود جریانی منحصرأ یکسویه است. انتقاد نادرست احتمال رشد و پیشرفت را از بین می‌برد. این شیوه با تمرکز بر روی اعمال گذشته فرد روزنه هر نوع جبران و پرهیز از خطا را می‌بندد. وقت آن رسیده که در تعریف انتقاد تجدید نظر کنیم و بدین ترتیب مفهوم قبلی آن را تغییر داده، در روند انتقاد کردن و انتقاد شنیدن تحول و اصلاحاتی ایجاد کنیم. به تعاریف جدید توجه کنید: انتقاد عبارت است از: انتقال اطلاعات به دیگران به نحوی که افراد مورد انتقاد بتوانند آن را در جهت مصالح خود به کار برند. و یا انتقاد وسیله‌ای است برای تشویق و افزایش رشد فردی و روابط اجتماعی. هر فرد در طول حیات خود ممکن است بارها توسط دیگران مورد ارزیابی قرار گیرد. برخی از این ارزیابی‌ها دارای جنبه‌های تشویقی و برخی دیگر منتقدانه است. انتقاد از دیگران در صورتیکه هوشمندانه انجام شود آثار بسیار مفیدی خواهد داشت، در غیر این صورت ممکن است با واکنش‌های منفی مختلف مواجه شود. این رفتار، هنری است که باید آموخت و بدون آگاهی از روش کاربرد آن زیان بار خواهد بود. انتقاد درست آن است که ضمن تاکید بر نقاط قوت به نقاط ضعف فرد نیز اشاره کند و با ارایه راهکارهای مناسب برای رفع آن سخن به میان آورد. پذیرش انتقاد از دیگران بین طبقات مختلف متفاوت است. برای مثال در بیشتر مواقع انتقاد از سوی افراد یک خانواده قابلیت پذیرش بیشتری در مقایسه با سایرین دارد. به طور معمول ما در برابر قضاوت افراد بیگانه آسیب‌پذیری بیشتری داریم. برخی از انواع انتقاد عبارتند از: انتقاد سازنده: این روش در بسیاری موارد می‌تواند جنبه‌ای سازنده و مثبت داشته باشد. اگر لحن انتقاد کننده دوستانه باشد بیشتر موثر واقع شده و شنونده بدون آنکه مورد حمله قرار گیرد از معایب خود مطلع می‌شود. بی‌تردید برای هیچکس خوشایند نیست که بشنود «بد غذا می‌خورید» و یا «در لباس پوشیدن بد سلیقه است». برای آنکه انتقاد سازنده و موثر باشد منتقد باید مواردی را رعایت کرده و پرسشهایی را مطرح کند که هر یک از آنها در رساندن وی به هدف خود نقش مثبتی ایفا کند. این سئوالات می‌بایست محتوای اطلاعاتی را که لازم است مبادله شوند در برگیرد. همانگونه که گفتن و چگونه گفتن ارتباط نزدیکی با هم دارند، محتوا و شیوه انتقاد نیز بر هم تاثیر گذارند. در تعیین محتوای یک انتقاد باید ابتدا از خود پرسید که از چه رفتاری می‌خواهیم انتقاد کنیم؟ این روش می‌تواند بسیار مفید واقع شود، زیرا از به کار بردن جملات کلی و کلمات پوچ و آزاردهنده‌ای چون «همیشه همین کار را می‌کنی»، «هیچ وقت به موقع نمی‌آیی» و جملاتی از این قبیل جلوگیری می‌شود. هنگامی که انتقاد از رفتار خاصی را با قاطعیت و به طور دقیق مطرح می‌کنیم برای انتقاد شونده این امکان را فراهم می‌سازیم که منظور ما را بدرستی درک کند. انتقادی که متوجه رفتار خاصی باشد می‌تواند منجر به گفتگویی دوجانبه شود تا اینکه به بحثی مبدل شود که حدود آن مشخص نیست. انتقاد غیرمستقیم: انتقاد می‌تواند به صورت غیرمستقیم بیان شود. برای مثال اگر طرف مقابل شما خصوصیت بدی داشته باشد، در خلال گفتگو به او بگویید: «به نظر شما آدمهایی که دارای این خصوصیت اخلاقی هستند، غیرقابل تحمل نیستند؟» این شیوه انتقاد باعث می‌شود که یک حس هوشیاری در وی بیدار شود و وی متوجه شود که دارای چنین مشکلی است. حتماً این مثل را شنیده‌اید که می‌گویند به در می‌گویند تا دیوار بشنود. این یک مثال متداول در فرهنگ ما برای ابراز همین موضوع است. انتقاد همراه با تعریف و تمجید: در این روش ابتدا می‌توان به تعریف و تمجید و ویژگی‌های ارزشمند فردی که مورد انتقاد است پرداخت برای مثال «تو دختر خیلی باهوشی هستی». پس از کاربرد یک مقدمه مناسب نظر انتقادی خود را بیان و سعی کنید آن را در پوششی از سخنان خوب و دلپذیر قرار دهید. البته منظور شما اصلاً تملق‌گویی نیست بلکه نخست خصوصیات خوب او را گوشزد کرده و بعد انتقاد خود را ابراز داشته‌اید. انتقاد تهاجمی و صریح: رک بودن نشانه صراحت و صداقت است ولی همیشه برای مخاطب خوش آیند نیست بخصوص اگر خیلی ناپخته بیان شود. این نوع انتقاد نه تنها هیچ نوع سازندگی در بر ندارد بلکه شنونده را هم در موضع تدافعی قرار می‌دهد. بهتر است که انتقاد با بکارگیری یک سیاست درست انجام شود. محکوم کردن: گاهی بجای انتقاد همراه با

راهنمایی، انتقاد کننده مخاطب را در یک دادگاه یک طرفه محاکمه و محکوم می‌کند. او به خود این حق را می‌دهد که در مورد دیگران اظهار نظر کرده و الگوی فکری خود را به وی تحمیل کند. اینگونه برخوردها نه تنها سازنده نیست، بلکه بسیار نامناسب است. انتقاد دیرتر از موعد: این گونه انتقادات، زمانی صورت می‌گیرد که هیچ کمکی به رفع مشکل نمی‌کند. به عبارت دیگر زمان برای جلوگیری از خطا وجود ندارد. بر هیچ کس پوشیده نیست که انتقاد در چنین زمانی برای جلوگیری از تکرار اشتباه بوده و اگر تشخیص داده شود که تاثیری در آینده نخواهد داشت، بهتر است هیچگاه ابراز نشود. شیوه درست انتقاد کردن رعایت نکات زیر می‌تواند در زمان انتقاد بسیار یاری دهنده باشد. - آیا رفتار مورد انتقاد را می‌توان تغییر داد؟ - آیا شخص مورد انتقاد قرار گرفته علاقمند به شنیدن آن است؟ - احتمال قبولی طرف انتقاد شونده چقدر است؟ - از انتقاد شونده سؤال کنید آیا منظور شما را درک کرده است؟ - به فرد انتقاد شونده تفهیم کنید که انتقاداتان بازتاب ساده عقیده شماست. - از انتقاد تحکم آمیز دوری کنید، زیرا اینگونه انتقادها بلافاصله فرد را در موضع دفاعی قرار می‌دهد. - سعی کنید انتقاد را به صورت نگرش شخصی خود به موضوع بیان کنید و کوشش کنید او را به شیوه نگرش خود کنجکاو کنید. - موضوع را طولانی و انتقاد را به سخنرانی تبدیل نکنید زیرا شنونده را خسته و بی‌حوصله می‌کند. - انتقاد را در زمان و مکان مناسب ابراز کنید نه در لحظه‌ای که طرف مقابل آمادگی شنیدن آن را ندارد. اول صبر کنید تا مخاطب در آرامش و خونسردی قرار گیرد تا ایرادی که از او می‌گیرید موثر واقع شود. - با توجه به سطح دانش مخاطب انتقاد را بیان کرده تا برای مخاطب قابل درک باشد. نمی‌توان از یک روش برای تمامی افراد استفاده کرد. - وقتی انتقاد می‌کنید کوشش کنید بدون سوء نیت بوده و فقط به منظور کمک و راهنمایی باشد. - با مشکلات و احساسات فرد مقابل همدلی کنید. - بهتر است انتقاد حضوری و بدون واسطه باشد و از انتقاد کردن غیرمستقیم بپرهیزید. - برای حفظ آبروی اشخاص، از انتقاد و نصیحت کردن فرد در حضور دیگران خودداری کنید. - چنانچه بخواهید انتقاد شما با واکنش مثبت و سازنده‌ای همراه باشد باید نشان دهید نه تنها به آنچه گفته‌اید متعهد هستید بلکه به رفتار فرد در مقابل انتقاد خودتان نیز ارجح می‌نهد. هرگز در انتقاد، طرف مقابل را با کسی مقایسه نکنید. مقایسه کردن باعث دلگیری مخاطب شده و ممکن است با واکنشهای بسیار نامناسبی مواجه شوید. اگر شخصیت و احترام مخاطب در نظر گرفته نشود نه تنها انتقاد موثر واقع نمی‌شود بلکه می‌تواند به قطع رابطه منجر شود. انتقاداتی به نتیجه می‌رسند که بسیار با دقت و هوشمندانه مطرح شوند و مخاطب بدون آنکه آزرده خاطر شود از معایب خود آگاه شود. هیچگاه در انتقاد از دیگران تصور نکنید که آنچه نظر شماست حتماً صحیح بوده و می‌بایستی شنونده بدون چون و چرا آن را بپذیرد. انتقاد از همکاران رقابت در تمامی سطوح هر سازمانی وجود دارد. یکی از علل آن دستیابی به امتیازات بیشتر در مقایسه با همکاران دیگر است. این امتیازات به صورت‌های گرفتن پاداش، ارتقای شغلی و موارد دیگر از این قبیل است. به طور کلی هر فردی با ۳ سطح در یک سازمان ارتباط دارد: سطوح زیر دست، همکاران هم‌ردیف و همکاران بالاتر، آنچه بسیار حائز اهمیت است آنست که بدانیم در هر سطحی چگونه انتقادات خود را بیان کنیم. اگر بخواهیم از یک روش برای انتقاد از افراد مختلف استفاده کنیم، یک اشتباه بزرگ مرتکب شده ایم و چنین شیوه‌ای دارای نتایجی بسیار ناگوار است. در بسیاری از سازمانها دیده شده افرادی که به طور کلی از دیگران به ویژه از افراد مافوق خود انتقاد می‌کنند مورد بی‌مهری قرار گرفته و در گرفتن امتیازات و رتبه‌ها همیشه با مشکلات متعددی مواجه می‌شوند. بررسی روشهای انتقاد بسیار پیچیده و دارای نکات فراوانی است. انتقاد صحیح داروی تلخ ولی مفیدی است که زمانی موثر خواهد بود که به موقع و درست تجویز شود، در غیر این صورت نه تنها باعث بهبودی نمی‌شود بلکه منجر به تشدید بیماری خواهد شد. برای طرح یک انتقاد سازنده و مؤثر باید موارد ذیل را مدنظر داشته باشید: رفتار مورد انتقاد را مشخص کنید. انتقاد خود را تا حد امکان واضح و مشخص بیان کنید. اطمینان حاصل کنید که اعمال و رفتاری را که مورد انتقاد قرار می‌دهید، قابل تغییر است. در غیر این صورت از انتقاد صرف نظر کنید. از عبارت نظر شخصی من این است استفاده کنید و از تحمیل نظریات خود بپرهیزید. واضح و شمرده سخن بگویید، به طوری که طرف مقابل انتقاد شما و

دلیل مطرح کردن آن را بفهمد. موضوع را کش ندهید و انتقاد را به سخنرانی تبدیل نکنید، زیرا شنونده بی حوصله می‌شود و توجهی به آن نمی‌کند. بکوشید انگیزه‌هایی برای تغییر رفتار پیدا کنید و خود را متعهد بدانید که انتقاد شونده را در حل مشکلش کمک کنید. اجازه ندهید گفته‌هایتان از احساسات منفی شما رنگ بگیرد. مواظب باشید صدایتان بلند و لحن کلامتان خشن و طعنه‌آمیز نباشد. از ژست‌های خشم‌آلود، مانند گره کردن دست، اخم کردن، گره به ابرو انداختن و نظائر آن پرهیزید. حالت و رفتار شما می‌بایست گفته‌های شما را تقویت کند نه آنکه آنها را نفی کند. با مشکلات و احساسات طرف مقابل، همدلی نشان دهید. شتابزده انتقاد نکنید. بکوشید با پیش‌بینی واکنش‌های منفی شخصی که مورد انتقاد قرار می‌گیرد، از بروز آن جلوگیری کنید. جملاتی مانند: «می‌دانم که به من این اجازه را می‌دهید که در مورد ... حرف بزنم، چون معتقدم که برای شما مفید خواهد بود.» در کاهش واکنش‌های منفی مؤثر می‌باشد. اگر نتیجه انتقاد خود را در رفتار انتقاد شونده مشاهده نمودید، وی را تحسین کنید.

* <http://lifestyle.parsgooya.ir>

خرد انتقادی، شالوده‌نگرش فعال N.G.O

خرد انتقادی، شالوده‌نگرش فعال N.G.O

دلشاد صالح زاده

اشاره: در این نوشتار نظر بر این است با تعریف خرد انتقادی در راستای بسط و شکل‌گیری تئوری کلان جامعه مدنی، یکی از پارامترهای تاثیر گذار جامعه مدنی یعنی نگرش انتقادی مورد بحث قرار گیرد. * لازم به ذکر است، نوشتار زیر صرفاً متأثر از دیدگاه شخصی نویسنده می‌باشد. بررسی نظریه انتقاد محصور گشتن اندیشه در حصارهای تنگ اندیشه‌های معلق قرون وسطی، انسان را منفعل و بی رمق کرده بود، اما با تحول انقلابی روشنگری دوره رنسانس، پویایی و دینامیکی فلسفه و اندیشه همراه با عقل‌گرایی انتقادی - اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گسترش یافت و محرک شکل‌گیری جریان جامعه منظم و آزاد گردید. دیگر انسان اندیشمندانه جوهر و پدیدار رویدادهای روزمره را به حوزه نامشخص ربط نمی‌داد و خود مانند اندیشمندی مبتکر و خلاق وجود و ماهیت اشیاء و تحولات را مورد کند و کاو قرار می‌داد و این شد انفجار جریان روشنگری مغرب زمین، که اساس آن خرد انتقادی بود، خردی که تمام حوزه‌ها را بدون دلبستگی به اندیشه‌ای خاص مورد نقد قرار می‌داد، خرد انتقادی نوعی جریان سازی متفاوت می‌باشد که تمام اشکال ظلم و سرسپردگی را مورد انتقاد سخت قرار می‌دهد و اساس مبارزه خود را معطوف به شکل‌گیری نظم اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قرار می‌دهد. پیشینه خرد انتقادی و یا عقل‌گرایی انتقادی را به آکادمی افلاطون رجوع می‌دهند، تئوری اندیشه انتقادی در چند دهه اخیر کاربرد و گستردگی کلانی به خود گرفته است و به عنوان بیش‌ترین در تمام حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی و علوم و فنون تکنولوژی و حتی در اندیشه اجتماعی معاصر، نمودی بارز داشته است. چارچوب نظری فلسفه انتقادی را می‌توان با بررسی آرای کانت، اندیشمندان مکتب فرانکفورت، مکس بلاک، رابرت انیس، یورگن هابرماس، کارل پوپر و ... متوجه گشت. که متأثر از اندیشه عقل‌گرایی انتقادی این متفکرین، اندیشه معاصر اجتماعی مدرن پروسه تکاملی خود را طی نمود. نگرش نقادانه در غرب همیشه تحت تاثیر اندیشه کانتی بوده است که غالباً در بافت فکری روشنفکری از آن به عنوان منشور و مانفستی یاد می‌شود و در مواردی چارچوبی فلسفی به آن بخشیده است، شاید هیچ نظام فکری و فلسفی معتبر نتوان یافت که زیر سایه فلسفه انتقادی کانت و درجه بندی دو گانه اش از معرفت نباشد، اما در جامعه ما هنوز بیشتر صاحب نظرین که منظومه ذهنی خویش را تصویری بی غل و غش از واقعیت می‌انگارند و هیچ سنجش نقادانه‌ای را بر نمی‌تابند به تجربه‌های نظام‌های فکری و فلسفی موفق جهانی حتی در حد نگرشی دانشگاهی نیم‌نگاهی که منجر به عمل گردد نمی‌اندازند. اتفاق نظر در خصوص تفکر انتقادی در رشته‌های مختلف متفاوت می‌باشد، اما وجه تشابه تفکر انتقادی در همه حوزه‌ها آگاهی از چند و چون

علمی آن حوزه می باشد. بطور مثال گام اول تفکر انتقادی در حوزه کلان اجتماعی، نگرش عمیق در لایه های زیرین جامعه و بالطبع آگاهی و شناخت مفاهیم و شاخصهای یک جامعه مدرن و با ثبات می باشد. لازمه تفکر انتقادی در حوزه های مانند ادبیات، تاریخ، علوم سیاسی، جامعه شناسی و... بنیه علمی در آن حوزه می باشد، اما حوزه های که همه اقشار جامعه با آن سروکار دارند بدون لحاظ کردن بعد علمی آن می توان همیشه توأمان باشد با تفکر انتقادی در هر سطح و اندازه ای که این مورد خاص اهمیت و ضرورت نگرش انتقادی را در تمام سطوح جامعه نشان می دهد. اصالت و ضرورت تفکر انتقادی با ابزار های علمی و مدرن قابل آموزش می باشد اما چگونگی و اجرای آن بر اساس مختصات زمانی و مکانی خلق الساعه می باشد، هر چند شاید بعضی ها بر این اعتقاد باشند این شیوه تفکر و عمل انتقادی نظم و ثبات جامعه را به مخاطره می اندازد اما در جواب باید گفت اصول تفکر و عمل انتقادی مدرن براساس قوه اخلاقی مشترک در بین کارکترهای سیستم اجتماعی در جهت توضیح بعد مثبت آن امکان پذیر می باشد و گر نه در سیستمی غیر منظم که کارکترهای آن به کوچکترین ابزار های مدرن و آگاهی بخشی دسترسی ندارند این شیوه مقرون به صرفه نخواهد بود و برعکس بازخوردی نامنظم و منفی در جامعه خواهد داشت. هربرت مارکوزه به عنوان اندیشمندی که نقادی را اساس فلسفه ذکر می کند، در برخورد با امور اجتماعی نقادی را محور قرار می دهد. مارکوزه توانایی نقد را جزو نیروهای رهایی بخش در نظر می آورد. واز دیدگاه اینجانب، نقادی باید از لایه های زیرین جامعه بصورت عمودی به بالا شکل بگیرد و سپس همزمان با انعکاس تاثیر آن در محیط، تاثیر آن در بافت یک دسته بالا مشاهده گردد. نگرش انتقادی فعال N.G.O نظریه پردازی امروزه شامل امور روزمره تحصیل کردگان و حتی مردم عادی شده است که متأسفانه هیچ مبنای علمی و تخصصی ندارد، امروزه در فضای حاکم مرزی میان منتقد و نظریه پرداز و صاحب نظر و تحلیلگر وجود ندارد، هر چند از دیدگاه اینجانب نگرش انتقادی در هر شکلی باید ابزار دست هر شهروندی باشد البته در صورتی که مرز انتقاد و تخریب مشخص گردد. باید در نظر داشت که تفکرات ارزشی و بنیان باورانه در تمام لایه های زندگی ریشه دوانیده است و در لایه های تو در توی جامعه در انواع شیوه ها می توان سایه نگرش ارزشی را مشاهده کرد که در بیشتر مواقع رنگ و بوی ایدئولوژیک به خود می گیرد. فعال N.G.O متأثر از بافت فرهنگی جامعه و با نگرشی محتاطانه به الگوهای موفق جهانی و نه به عنوان فردی صرفاً مصرف کننده در حوزه های مرتبط با حوزه ی تخصصی خود با دیدی علمی و عقلی معرفت خرد انتقادی را در بافت بومی نهاده می کند، البته با اساس قرار دادن خودانتقادی و سپس انتقاد از دیگری و جامعه. شاید این رویکرد به این دلیل باشد که سایه سنگین و رقت بار پژوهش های فلسفی جوامع توسعه یافته در کنار نگرش مصرفی صاحب نظرین بومی نوعی انفعال و سرخوردگی را در داشتن فلسفه بومی بوجود آورده است، که این شرایط با غلظتی نکتیو مضاعف در بافت فکری کردستان در جریان می باشد، سالهاست که در میان ما هیچ دستگاه فکری خاص شکل نگرفته است و حتی نتوانستیم بر اساس دستگاه فلسفی موفق جهانی، مهندسی فلسفی بومی را تدوین کنیم تا اینکه حداقل ابزاری جهت رهایی از درماندگی تئوری یا تئوری زدگی موجود گردد. فعال N.G.O باید بدون وابستگی ایدئولوژیک و فکری خاص، همه پدیده های فرهنگی، جامعه شناسی، ادبیات، موسیقی، ورزش و... را از لحاظ ارزشی مورد کند و کاو قرار دهد و جسورانه بنیانهای ارزشی را بدون هیچ مصلحتی و با شهامت تجزیه و تحلیل کند و با دیدی انتقادی به آن بنگرد. کارکترهای بنیان باور مطلق انگار بر اساس ایدئولوژی خاص خود هر امری را مطلق می انگارند، این شیوه نگرش در برابر رویدادهای روزمره، قدرت انعطاف فکری را از فرد می گیرد و فرد را از هر گونه تفکر و نگرش متجددانه تهی می نماید، در تعریف کلان ایدئولوژی می توان این دسته از افراد جامعه را مورد بحث قرار داد. یک فارغ التحصیل دانشگاهی که در حوزه تخصصی خود به توان علمی رسیده است، در صورت وابستگی ارزشی و ایدئولوژیک، فقط در حوزه ی کاری خود در فرمی مکانیکی از توان علمی خود بهره می برد ولی در حوزه اجتماعی فاقد نگرش علمی و مدرن خواهد بود. ایدئولوژی همانند تمام مفاهیم علوم انسانی تعریفی کلان دارد و نمی توان در چارچوبی خاص در مورد آن به اتفاق نظر رسید، ولی در هر حال با در نظر

گرفتن برداشت بالا از ایدئولوژی، فعال N.G.O، ن‌ظریه انتقادی را همچون شیوه‌ای جهت بررسی و کنکاش ایدئولوژی در همه‌ی شیوه‌ها و نمودهای گوناگون آن لحاظ می‌کند نظریه انتقادی هابرماس و فرموله کردن آن در مفصل بندی استراتژی کلان فعالیت مدنی فعال N.G.O تعریف هابرماس در خصوص نظریه انتقادی در جامعه: نظریه انتقادی عبارت است از نظریه‌ای جامع و فراگیر درباره کنش و عقلانیت ارتباطی در بستر وضعیت کلامی مطلوب که معمولاً از آن تحت عنوان نظریه کاربرد شناسی همگانی نیز یاد می‌کند. این تر هابرماس مبتنی بر این عقیده است که اولاً در عقل ارتباطی نوعی قدرت خارق العاده "استعلایی" سرسختانه‌ای نهفته است که در پارادایم‌های دیگر به ندرت به چشم می‌خورد و ثانیاً انسانها نیز همواره نوعی تعلق خاطر و وابستگی عمیق و دیرپایی به عقلانیت و خردورزی از خود نشان دادند. در تعریف نظریه انتقادی آقای هابرماس سه کلید واژه یافت می‌شود که می‌توان با در نظر گرفتن مفصل بندی جامعه مدنی آن را این گونه تئوریزه کرد. علائق سه گانه پروفیسور هابرماس "کنش ارتباطی" "عقلانیت تفاهمی" و "اخلاق گفتمانی" در رویکرد خرد انتقادی، در مفصل بندی جامعه مدنی در قالب یک قرائت بومی اینگونه می‌باشد. جامعه مدنی مجموعه‌ای از کارکردهای منظم با تعریفی مشخص در راستای تحقق اهداف تعیین شده‌ی توافقی و معقول (عقلانیت تفاهمی) می‌باشد که کنشگری و کنش‌پذیری هر شهروند در قالب یک کارکر فعال (کنش ارتباطی) تأثیری سرنوشت ساز بر کل برنامه‌ها و اهداف فعال N.G.O خواهد گذاشت. (اخلاق گفتمانی) اما باید در نظر داشت روح علائق سه گانه هابرماس یعنی "کنش ارتباطی" "عقلانیت تفاهمی" و "اخلاق گفتمانی"، "آگاهی" می‌باشد و سپس "آگاهی" با استفاده از مکانیزمهای تدوین یافته در بسط و گسترش تئوری جامعه مدنی "زبان" را با غلظت اخلاقی انسان مدارانه به کار می‌بندد، البته برخلاف مارکس، که کار را اصالت و روح انسان می‌نامد، هابرماس این کار کرد را به زبان می‌دهد، هابرماس زبان را وجه تمایز انسان و حیوان می‌داند و حتی محرک تغییر خود و محیط را "زبان" می‌داند. علائق سه گانه و سپس چهارگانه هابرماس در راستای تدوین استراتژی تئوری جامعه مدنی کار ویژه خود را دارا می‌باشند. هابرماس علائق "رهایی بخش" را آخرین علائق می‌داند که این علائق نیز ریشه در "زبان" دارد که بیشتر سعی دارد کنش و ارتباط را وجه مصالحه هیچ کدام قرار ندهد. شاید این مورد در راستای شکل‌گیری علمی تحت نام "خرد انتقادی" قرار گیرد، این مورد در توانایی انسانها برای تفکر و عمل خود آگاهانه، "عقلانیت تصمیم‌گیری" بر مبنای واقعیات شناخته شده و قواعد پذیرفته شده کنش متقابل ریشه دارد. در این میان واقعیت باید شفاف در دسترس تمام کاراکترهای N.G.O قرار گیرد که در غیر اینصورت تعدادی در راستای منافع شخصی و گروهی خود دنباله‌رو آمیزه‌های تحمیلی خاص خود خواهند بود که این جریان انحرافی در روند تصمیم‌سازی اصالت فعال N.G.O، اختلال ایجاد می‌کند. و همچنین باید در نظر داشت دانش و توان تفسیر و تأویل (پارادایم عقلانیت هرمنوتیک) باید در تمام عرصه‌های گفتمانی کارکردهای N.G.O و حتی دیالوگ روزمره حضور خود را حفظ نماید و این مهم هم شهامت نظری و پراکتیکی فعال N.G.O را در تمام حوزه‌های ذهنی و عینی جامعه می‌طلبد. و شاید از آن به عنوان جسارت و قاطعیت که رنگ و بوی بشردوستانه دارد نام برد. عقل‌گرایی انتقادی در روند شکل‌گیری نگرش انتقادی فعال N.G.O تاکنون اندیشمندان بسیاری در خصوص واژه یا مسلک عقل‌گرایی انتقادی سخن گفته‌اند اما انسجام نظریات کارل پوپر از تمامی آنها برجسته‌تر و قابل فهم‌تر می‌باشد. پوپر عقل‌گرایی فراگیر و غیر انتقادی را که حاوی استدلال عقلانی و تجربه‌ناشد را در مقابل عقل‌گرایی انتقادی قرار می‌دهد، پوپر جانبدار عقل‌گرایی فروتنانه‌ای است که از خود انتقاد می‌کند. از دیدگاه پوپر نگرشهای صرفاً متافیزیکی، انعطاف نقد‌پذیری را ندارند و در چارچوب تحلیل قرار نمی‌گیرند. تلاش نقد همواره در این است تا فرضیه‌ها را باطل کند. هر چه نقد محکمتر باشد، به همان اندازه کشف سریع خطاها ممکن‌تر میشود. فرضیه‌های باطل شده از حوزه علم حذف می‌شوند. پوپر "عقل‌گرایی" را در مقابل تعریف عام و کلان آن یعنی "عقل‌گریزی" قرار می‌دهد، اما در تعریف فلسفی عقلانیت می‌توان سه گونه عقلانیت را بحث کرد. عقلانیت ابزاری، عقلانیت هرمنوتیک و عقلانیت دیالکتیکی. عقلانیت ابزاری در غیاب عقل در

جهت رسیدن به هدف براساس تصمیم سازی مشخص کاربرد دارد، و عقلانیت هرمنوتیک پیمانه فهم و تشریح سنت می باشد که در تعریف این گونه عقلانیت، صاحب نظرانی قلیل صرفاً معتقد به این گونه عقلانیت فهم سنت هستند، اما نوع سوم عقلانیت که پایه آن بر اساس نقد سنت است، یعنی کار ویژه تاریخی و اصیل عقلانیت هرمنوتیک را ساقط می کند و به آن وجه تئوریک می بخشد، یعنی بیان اینکه انتخاب آگاهانه سنت می تواند سرآغاز شروعی نو باشد. حال این سوال به ذهن خطور می گردد. آیا مدیریت و بسط تفکر فعالیت مدنی با همراهی کدام یک از عقلانیتهای ذکر شده امکان پذیر است؟ نگرش فعال N.G.O با مفاهیم متجددانه و نو مجهز خواهد گشت و در راستای ذهنیت و عمل مدنی پارادایمهای سنتی تنها در راستای اتفاق نظر و گره گشای نقاط کور تاریخی می توان کارگشا باشد ولی همانگونه که در تعریف فعالیت مدنی بیان گردید نمی توان بر اساس عقلانیت هرمنوتیک یا عقلانیت دیالکتیکی در بافت مهندسی تئوری N.G.O سرمایه گذاری کرد بلکه باید با برنامه ریزی و اکتیو کردن شیوه های تدوین یافته براساس عقلانیت تفاهمی و در نظر گرفتن واقعیتهای خاص و با استفاده از مکانیزمهای موجود به هدفهای مشخص شده نائل گردید که این جریان فکری را می توان در قالب عقلانیت ابزاری بحث کرد. عقلانیت ابزاری در راه ثبات و نظم جوامع مدنی موفق جهان مدرن نقش بسزایی داشته است و مهمترین توان و انرژی این جوامع بوده است. خرد فعال N.G.O بر اساس مشارکت اجتماعی تمام "فرد" های تعریف شده در یک مجموعه عقلانی خاص با مهندسی عقلانیت ابزاری که یک عقلانیت علمی - انتقادی است امکان پذیر می باشد. "فرد" های تعریف نشده و بدون شناسنامه، عاری از عقلانیت ابزاری انتقادی می باشند و نمی توانند در پروسه مشارکت اجتماع سازی مدرن حضوری مثبت داشته باشند. فردهایی که توانایی نقد سازه های اجتماع را با تمام مواد تشکیل دهنده اش را ندارند، توانایی تغییر و یا ساخت مهندسی جدید را نخواهند داشت. شاید بعنوان تکه گوشتهای متحرک و منفعل حضور فیزیکی داشته باشند ولی تنها کارکرد یک وسیله ابزاری بدون دارا بودن شعور اجتماعی را دارند. کارکترهای تشکیل دهنده N.G.O، بعنوان کارکترهای فعال و نه منفعل توانایی شناسایی استعدادهای خود و سپس تعریف محیط همراه با شناخت مفاهیم جهانی البته بومی شده را خواهند داشت. تعریف "فرد"، "شهروند آگاه" و "روشنفکر" جامعه مدنی تعریف روشنفکر متفاوت از تعریف صاحب نظر، تحلیلگر یا فیلسوف می باشد، معرفت روشنفکر تلفیقی از هر سه می باشد، صاحب نظر و فیلسوف در راستای رشته تخصصی خود اقدام به اندیشیدن می کنند و تحلیلگر پسوند هر دو می باشد، اما روشنفکر، فرا از تعریف تاریخی، به فردی که بیش از حد متعارف از دیگران خردمندتر و آموخته تر باشد گفته می شود. تشخیص روشنفکر در فضایی که سطح دانش و آگاهیهای عمومی در سطحی نازل قرار دارد گمراه کننده می باشد اما در مناطق مدرن بر اساس شاخصهای مشخص، روشنفکر تعریف می گردد. اما وجه تمایز روشنفکر و عامه در هر دو فضای توسعه یافته و توسعه نیافته در سه اصل "احساس مسئولیت"، "جسارت و قاطعیت" و "شهامت انتقاد" نهفته می باشد. که هر کدام از این موارد تکمیل کننده همدیگر و لازم و ملزوم هم می باشند. در وظیفه شناسی روشنفکر غربی، جست و جوی حقیقت جایگاهی برجسته دارد، اما این تعبیر غیر شفاف می باشد زیرا فیلسوف، تحلیلگر و صاحب نظر هم در جست جوی حقیقت می باشند، با این تفاوت که روشنفکر در جریان کسب حقیقت، تعریف یک فعال مدنی منتقد جسور را به خود می گیرد که دیگران فاقد این مشخصه بازر می باشند. روشنفکر، منتقد پروپاقرص نظم اجتماعی حاضر می باشد و همیشه سعی و اهتمام بر این دارد که با تمام توان و شعور خود در صف نایستد و بر خلاف جریان فکری توده حرکت کند و در راستای تحقق نظم نوین اجتماعی هیچ مصلحتی را نمی پذیرد و در برابر عمل انسانی خود در پی کسب موقعیت اجتماعی نیست. حال جهت ترسیم شفاف تر مرز روشنفکر و عامه به دو مشخصه بارز روشنفکر که اصالت و معرفت روشنفکر را شکل می دهد می پردازم. شعور علمی + شعور اجتماعی = روشنفکر و یا شهروند آگاه دو مشخصه بارز و متمایز روشنفکر از دیگر افراد دارا بودن شعور اجتماعی و شعور علمی می باشد. فارغ التحصیلان دانشگاهی و صاحب نظرین حوزه های تخصصی شعور علمی دارند و افرادی که در عرصه اجتماعی در برابر مشکلات روزمره توان تجزیه و

تحلیل رویدادها را دارند دارای شعور اجتماعی می باشند، و جمع این دو شعور در یک جسم، به فرد اصالت شهروند آگاه و در صورت تجمیع سه اصل "احساس مسئولیت" "جسارت و قاطعیت" و "شهامت انتقاد" با دو مشخصه "شعور اجتماعی" و "شعور علمی"، "منزلت" روشنفکری "به شهروند آگاه و حتی عنوان شهروند صاحب نظر، تحلیلگر، فیلسوف و یک مبارز شجاع می بخشد. فریدون ملایی اعتقاد دارد به فردهایی که با تجمیع شعور اجتماعی و شعور علمی در خود، توان "تمام کنندگی" دارند، می توان عنوان شهروند آگاه بخشید. داشتن مدرک تحصیلی و یا موقعیت اجتماعی و یا بازی با مفاهیم علوم انسانی در گوشه کتابخانه بدون انعکاس و بروز ذره ای از آگاهی خفته در جامعه، نمی توان فرد عادی را به درجه روشنفکری و حتی شهروند آگاه ارتقا دهد و یا افرادی که در تمام طول زندگی فقط تق و نوق را پیشه کرده اند و در نهایت با یک پرستیز شهروند مدار عنوان یک شهروند منتقد را به خود اختصاص می دهند، اینان باید بدانند که افرادی بی بنیه و منفعل هستند که حتی در چهارچوب یک فرد با ثبات روحی و روانی قرار نمی گیرند. در پایان می توان شکل گیری و تکامل فکری قابل انعطاف "شخص" جامعه غیر مدنی و سپس "فرد" جامعه مدنی را اینگونه فرموله کرد. "شخص" غیر مدنی متأثر از حضور "مام رسو"، "خاله و تمان" و "کاک احمد" هیكل فیزیکی شکل می گیرد که در روند بسط و شکل گیری دانش و آگاهیهای متجددانه مهندسی فکری قابل شکل گیری جامعه مدنی و با استفاده از مکانیزمهای قابل تعریف، می خواهد از "شخص" به "فرد" ارتقاء درجه پیدا کند و به عنوان کارکتری خلاق و مبتکر در تمام حوزه ها نقش آفرینی کند و سپس منشا ثبات فکری و اخلاقی جامعه گردد. منابع: - تئودور آدورنو، زیبا شناسی انتقادی، ترجمه امید مهرگان، گام نو، ۱۳۸۲- آدورنو و هورکهایمر، دیالکتیک روشنگری، ترجمه مراد فرهاد پور و امید مهرگان، گام نو- ریچارد رورتی، اولویت دموکراسی بر فلسفه، ترجمه خشایار دیهیمی، طرح نو- یورگن هابرماس، جهانی شدن و آینده دموکراسی منظومه ی پساملی، ترجمه کمال پولادی، مرکز- ژان پل سارتر، در دفاع از روشنفکران، ترجمه رضا سید حسنی، نیلوفر- فصلنامه روزه ف، شماره ۴ و ۵، زمستان و بهار ۸۶-۱۳۸۵- هربرت ماکوزه، خرد و انقلاب، ترجمه محسن ثلاثی، جاویدان- هربرت ماکوزه، گفتاری در رهایی، ترجمه محمود کتابی، پرسش- رابرت ب. پی بین، نیچه و سه رچاوه ی چه مکی مودیرنیزم، وه رگیانی بو کوردی ئیسماعیل ئیسماعیل زاده- به اختیار عه لی، خوینه ری کوشنده

* <http://www.qelem.com/farsi/mqale/babatekan/۶۵.htm>

از نقد سند تا نقد متن

نویسنده، در این نوشتار، علم حدیث را به گروهی از علوم نقلی محض وابسته می داند که پیشینیان، همراه علوم قرآنی و تفسیر و سیره ی نبوی (ص) و فقه، برای ما، به یادگار گذاشتند و عقل را در آن به کار نگرفتند. این امر به دلیل اعتماد آن بر روایت بود. اینان از آن هنگام گروهی دیگر از علوم عقلی و نقلی را ساخته و عقل را نیز در آن به کار گرفتند. تحول از نقد سند به نقد متن، کوششی است برای تبدیل علم حدیث از علمی نقلی به علمی عقلی نقلی با تکیه بر علوم انسانی و اجتماعی نوین مانند زبان شناسی و ادبیات، فلسفه، زیبایی شناسی، روان شناسی و... وی معتقد است تطبیق این علوم، در بررسی متن ها، پس از شکوفایی در غرب، به مکتبی تبدیل شد که کامل ترین آن در آلمان (دهه ی بیست) بود. مکتب انواع ادبی و تطبیق آن بر انجیل ها به گونه ی کلی صورت گرفت و بر انجیل های رسمی به گونه خاص و... شکوفایی علوم انسانی و اجتماعی در غرب رشد کرد. در فرهنگ اسلامی نیز تسری یافت و جزیی از فرهنگ اسلامی شد. تحول، از نقد سند به نقد متن، بر هیچ مکتب پوزیتیویستی (ابطال گرایانه) (وابسته به تمدن غرب) تکیه نداشته؛ جنبه ی تحکیمی دارد و وظیفه ی آن تنها فهم و علت یابی است. اصولیان پیشین، متن را به همان اندازه ای بررسی کردند که در سند پژوهیدند. برخی از صوفیان بررسی حدیث را، از نظر سند، رد کردند و بر نقد متن و تجربه زنده تأکید کردند. ابن عربی، از محدثان، می گوید: «از قلبم، از کردگارم روایت است که

فرمود.» و بر حدیث شناسان طعنه می‌زند و می‌گوید: «علومتان را از مرده‌ای به نقل از مرده‌ای فرا می‌گیرید و ما علوم خودمان را از خدای زنده‌ی نامیرا فرا می‌گیریم.» وی، در ادامه، می‌نویسد که حدیث تابع قوانین روایت شفاهی است. خلفای چهارگانه از تدوین حدیث امتناع کردند تا با قرآن در نیامیزد. علمای حدیث در طول تاریخ، به کار گردآوری حدیث برخاسته‌اند. بسیاری از احادیث چندین بار تکرار می‌شوند و این تکرار به پژوهشگران معاصر فایده می‌رساند که منطق زیادت، نقصان و پیوند لفظ با معنا، قوانین قیاس ابداعی و قوانین تذکر و نسیان را باز شناسند. شگفت این که در همان هنگام که تکرار به بالاترین اندازه می‌رسد کنار گذاشتن احادیث دیگر صورت می‌پذیرد. به راستی معیار کنار گذاشتن و گزیدن چیست؟ تحلیل صحیح بخاری قله‌ی آن چیزی است که علم حدیث بدان دست یافته است؛ یعنی یقین از نظر سند. وی در ادامه می‌نویسد: «تبویب نوین، در عرصه‌ی پژوهش‌های حدیثی به پژوهشگران کمک می‌کند و امکان می‌دهد که علم حدیث بر ساختار جدید استوار گردد و به پاسخ دادن به خواسته‌های روز و ضرورت‌های علوم انسانی و اجتماعی کمک نماید.» قرآن و حدیث علم حدیث، در کتب حدیثی رابطه‌ی قرآن و حدیث را آشکار می‌سازد. هر دو وحی‌اند و از نزد خدا اما با دو درجه‌ی مختلف؛ قرآن، وحی مستقیم است و حدیث، وحی غیر مستقیم. وی درباره‌ی جایگاه حدیث، از دیدگاه محدثان، می‌نویسد که گاه محدثان به گونه‌ی دیگری با علوم نص آغاز می‌کنند به این ترتیب که حدیث، نص است و علوم روایت و تدوین، نقل شفاهی‌اند و گاهی فقط روایت و آیات قرآنی‌اند و گاهی نیز بدون قرآن و مستقل از آن. گاهی هم قرآن در آغاز به عنوان اصل آورده می‌شود، پیش از آن که حدیث به عنوان فرع به آن مستند گردد. گاهی هم بالعکس و... افزون بر رابطه‌ی قرآن با حدیث، رابطه‌ی سبب و علت نیز در کار است زیرا حدیث اسباب نزول برخی از آیات قرآن را یاد می‌کند. حدیث، در شرح قرآن، فراوان است به ویژه ظاهر و باطن. این مجال گسترش دادن به آفرینش ذهنی و رها ساختن عنان برای شناوری در باطن می‌باشد. کتاب تفسیر صحیح بخاری چنین پیوندی را میان قرآن و حدیث روشن می‌سازد؛ گاهی قرآن به تصحیح حدیث می‌پردازد زیرا که قرآن معیار است و حدیث تاریخ؛ گاهی قرآن با حدیث در می‌آمیزد و گاهی به صورت بخشی از حدیث در می‌آید؛ گاه قرآن، در روایت و سیاق سخن، به زبان صحابه پدیدار می‌گردد تا یادآوری بر پیامبر(ص) باشد. از این رو جدایی میان حدیث و قرآن دشوار است. در یک جمله قرآن، به معنای علم، حدیثی است که از طریق وحی به پیامبر(ص) رسیده است و حدیث، گفته‌ی پیامبر(ص) به معنای خاص. در نتیجه، این پرسش صحیح است: آیا حدیث، وحی از نزد خدا است یا در پاره‌ای حالات که پیامبر(ص) نمی‌تواند آنها را بیرون از اسباب نزول پاسخ گوید وحی می‌باشد، زیرا وابسته به قرآن است؟ پیوند دیگر به صورت عین متن میان قرآن و حدیث وجود دارد که همان حدیث قدسی می‌باشد. حدیث قدسی، میانه‌ی قرآن و حدیث و کم تر از قرآن و فراتر از حدیث است. مانند قرآن، از نظر لفظ و معنا، وحی است، ولی مانند حدیث در آن تا حد زیادی آفرینش خیالی موجود می‌باشد.

<http://www.hawzah.net/Hawzah/Magazines/MagArt.aspx?>

MagazineNumberID=۴۴۸۲&id=۳۴۶۸۶

روشهای موثر انتقاد سازنده

مقدمه انتقادپذیری و انتقاد کردن موثر دارای اهمیت زیادی برای موفقیت سازمانی است. اموری چون ارزشیابی عملکرد، مشارکت در تیم‌های کاری، خدمات رسانی به مشتریان و کنترل کیفیت، بستگی به بکارگیری مطلوب انتقادپذیری و انتقاد کردن دارد و کار پیچیده‌ای است. انتقاد با ابراز احساسات درباره موضوعات پیچیده و مشکل، می‌تواند تخریب کننده و حتی بسیار خطرناک باشد. بکارگیری ضعیف انتقاد، منجر به شکست افراد و سازمان‌ها می‌شود، از سوی دیگر استفاده آگاهانه و خردمندانه از انتقاد به شکوفایی افراد و سازمان‌ها منجر خواهد شد. انتقاد از افراد قدرتمند و مافوق بدون ترس و خشم انتقاد نقش عمده‌ای در روابط

اجتماعی ایفا می‌کند، از انتقادهای می‌توان برای ایجاد تحرک در اشخاص و نفوذ در آنها، آموزش، بیان نیازها و خواسته‌ها و یا محرکی برای اصلاح و پیشرفت خود استفاده کرد. انتقادپذیری موثر نتایجی چون: افزایش رضایت شغلی، ایجاد روابط کاری مناسب، تقویت سلامتی فکری و روحی، ایجاد عزت نفس، افزایش سطح بهره‌وری و افزایش رقابت برای تضمین موفقیت را به دنبال دارد. اگر انتقاد کننده و انتقاد شونده می‌خواهند به هدف انتقاد سازنده که همانا تغییر رفتار خاصی است دست یابند، باید با یکدیگر همکاری کنند. برای دستیابی به مفید ضروری است تا از روش‌های انتقاد موثر و سازنده استفاده نمود. انتقاد دوستانه و مشفقانه انتقاد اطلاعاتی است که می‌تواند به رشد فرد کمک کند و دانش و مهارت‌های مناسب را به افراد آموزش دهد. افراد با مشاهده و درک نتایج ارزشمند انتقاد، پذیرای انتقاد می‌گردند و یا قادر به ارائه انتقاد می‌شوند. انتقاد برای بهبود محور اساسی هر انتقاد موثر توجه به نقش سازندگی است، بهبود و ارتقا، معادل تغییر دانش، تغییر نگرش و تغییر عملکرد فردی و سازمانی در جهت مثبت است. در واقع هدف انتقاد باید اصلاح و تکامل فکر و رفتار فرد مقابل باشد. انتقاد استراتژی‌یکانتقاد بایستی ضمن داشتن اهداف بلند مدت، راه‌های نیل به آنها را نیز بیان کند. هر فردی قبل از انتقاد لازم است سوالات زیر را از خود پرسد: • دقیقاً از برقراری ارتباط چه انتظاری دارید؟ • چه رفتار یا خصوصیتی باید تغییر کند؟ • انگیزه‌های انتقاد کردن چیست؟ چه راه حل‌ها و اهداف خاصی را می‌توان ارائه کرد و چه فعالیت‌هایی برای دسترسی فرد به اهداف مورد انتقاد می‌توان انجام داد؟ ایجاد عزت نفس در افراد احساس عزت نفس یکی از نیازهای اساسی کارکنان است. آنان برای برآورد این نیاز ناچار به احترام گذاردن به دیگران هستند، بنابراین یک رابطه دو طرفه چرخشی مثبت و یا منفی را می‌توان در این خصوص ایجاد کرد. انتقاد با کلمات مثبت، محترمانه و انگیزشی‌این امر منجر به بهبود برقراری ارتباط و در نتیجه پذیرش آن می‌شود. به این جهت لازم است کلمات مناسب برگزیده و بیان شود. انتقاد از روش و محتوای انتقاد محتوا و روش نیز بایستی لحاظ شود. با نهادینه سازی این نکته می‌توان از سیستم ارزشیابی خود استفاده نمود و به این وسیله از قدرت تفکر به شیوه‌ای غیردفاعی بهره‌برداری کرد. مشارکت طرف مقابل طرف مقابل خود را دخالت دهید، برای مشارکت دادن طرف مقابل رعایت نکات زیر ضروری است: • بر اهمیت شغل فرد تأکید شود • شرایط انتقاد شناسایی شود • دقیقاً بیان شود که چگونه انتقاد برای طرف مقابل مفید خواهد بود • از فرد خواسته شود که چگونه می‌توان برای اجرای طرح به او کمک کرد و چگونه می‌توان از او در این راستا حمایت کرد؟ توجه به شایستگی‌ها به شایستگی‌های طرف مقابل توجه نمایند، بدون این که از کلمه اما استفاده کنید. اغلب افراد برای انتقاد کردن ابتدا به بیان جنبه‌های مثبت فرد پرداخته و سپس از کلمه اما استفاده می‌کنند و به بیان نقاط ضعف وی می‌پردازند، در حالی که کلمه اما حذف کننده ارزش پیام قبلی است، در صورتی که اگر از حرف ربط و استفاده شود، عکس این حالت است و با جملات قبلی انسجامی بوجود می‌آید. در مجموع کلمه و اثر بلند مدت و نیرومندتری را به جای می‌گذارد. بیان شفاف‌آن چه را که می‌خواهید مورد انتقاد قرار دهید، بطور دقیق و شفاف بیان کنید، صراحت کلام انتقاد را موثر می‌نماید. انتخاب زمان مناسب انتقاد در زمان مناسب منجر به پذیرش آن در طرف مقابل می‌شود. انتقاد بایستی برای عده‌ای بلافاصله بعد از خطا و برای عده‌ای دیگر با گذشت زمان انجام شود، ضمن این که ضروری است در هنگام خشم از افراد انتقاد نشود. استفاده از سوالمی‌توان انتقاد را در قالب طرح یک سوال یا مجموعه سوالانی عنوان کرد که جواب آنها به هدایت طرف مقابل برای دریافت اطلاعات دقیق و اساسی منجر می‌گردد. ناکارایی انتقاد شفاهی هنگامی که بطور شفاهی قادر به انتقاد نیستید، با عمل و رفتار خود انتقاد را طرح کنید، گاهی بهتر است از روش رفتاری بهره‌برداری شود. یعنی به جای این که چیزی بیان شود، کاری انجام گیرد و از طریق مداخلات رفتاری تفکر مورد نظر منتقل شود. مشخص کردن انتظاراتگاهی افراد انتظار دارند که اشخاص همان رفتاری را دارا باشند که از آنها انتظار داریم، در این حالت انتظارات ما موجب می‌شود که انتقاد زودرس و غیرموثر داشته باشیم چرا که مخاطبین خود را به خوبی از توقعات خود آگاه نکرده‌ایم. میزان ذهنی بودن انتقاد واقعیت‌ها نبایستی صرفاً در قالب ذهنیت فرد بماند، بلکه بایستی دیگران نیز آن را درک کرده و بپذیرند. مثلاً اگر طرف مقابل انتقاد شما جمله‌ای این

انتقاد صرفاً اعتقاد شماست. را بکار برد، حتی اگر این انتقاد برای شما مبتنی بر واقعیت عینی باشد، معنی آن این است که ارزشیابی ذهنی طرف مقابل برای قضاوت در مورد یک رفتار یا ویژگی خاص را لحاظ نکرده‌ایم. ایجاد انگیزه در افرادی که از وظایف اساسی انتقاد موثر، برانگیختن افراد برای انجام بهتر کارهاست. انگیزه یک مفهوم روانشناسی است که در اشکال و حالت‌های گوناگونی همچون افکار، احساسات، کلمات خاص و ... مطرح می‌شود. بهره‌برداری از نقشه‌های ذهنی طرف مقابل استفاده از اصطلاحات، احساسات و نقشه‌های ذهنی طرف مقابل منجر به شناخت و برقراری مناسب ارتباط با وی می‌شود، برای این منظور به سخنان کسانی که در اطراف شما صحبت می‌کنند گوش کنید و از ارزش‌ها و علایق آنها مطلع گردید تا در صورت نیاز به انتقاد با او هم‌زمان شوید و راحت‌تر ارتباط برقرار کنید. همگامی با انتقاد شونده همگامی با کسی که مورد انتقاد قرار می‌گیرد، مقدمه، رهبری موثر و در این جا پیش زمینه انتقاد موثر است. شناسایی معیارهای انتقاد انتقاد صحیح مبتنی بر معیارهای خاصی است. قبل از انتقاد برای خدمت به مشتری و یا ارتباط با همکاران سوالات زیر را از خود پرسید: • آیا این انتقاد عملی است؟ • آیا می‌توان بلافاصله از آن استفاده کرد؟ • آیا منفی را تأمین می‌کند؟ • آیا انتقاد پاسخگوی نیازهاست؟ • از چه معیاری استفاده شود؟ • آیا دیگران از معیاری که برای قضاوت در مورد اعمال و نتایج کارهای آنها استفاده می‌شود، آگاهی دارند؟ • آیا معیارها ثابت‌اند یا طی زمان باید تغییر کند؟ جواب سوالات فوق به بهبود و افزایش انتقاد مثبت و موثر منجر می‌شود. گوش دادن به ندای درونی افراد همیشه با خود ارتباط ذهنی برقرار می‌کنند، این مکالمات درونی ساز و کاری است که باعث می‌شود افراد از ارزشیابی‌ها و انتظارات خود آگاه می‌شوند. هنگامی که انتقاد می‌کنید و یا مورد انتقاد قرار می‌گیرید، به مشاهده و شنیدن دنیای درون خود پردازید. وقتی به ندای درون خود توجه کنید و آنها را مورد بازنگری و تجدید نظر قرار دهید، افکار بهره‌ور و متناسب با شرایط و محیط جدید بوجود می‌آید، زیرا احساسات برافروخته شما، کنترل شده و به شما کمک می‌کند تا صدای قدرت انتقاد موثر و مثبت را بشنوید. حفظ آرامش و خونسردی نداشتن آرامش در زمان انتقاد، به تضعیف انتقاد منجر می‌شود. اگر فردی قادر به حفظ خونسردی، آرامش و هوشیاری در زمان مواجهه با انتقاد باشد، می‌تواند احساسات خود را کنترل کند و بهره‌وری خویش را افزایش دهد. به علاوه فرد قادر به ارزیابی شرایط بطور دقیق بوده و پاسخ مناسبی را به آن شرایط خواهد داد. نتیجه‌دهنده جهان امروز نقش احساسات و افکار انسانی در توسعه و تکامل انسان‌ها، سازمان‌ها و جوامع پررنگ گشته است و برقراری ارتباطات و هم‌اندیشی بین آنها از اهمیت بیشتری برخوردار گشته است. اگر فردی آگاه و توانمند نسبت به احساس و عملکرد ضعیف و نامطلوب افراد یا واحدهای دیگر بطور مطلوب و مفید اظهار نظر کند، از قدرت انتقاد موثر و مثبت بهره‌برداری کرده است، او به خوبی به نقاط قوت و ضعف طرف مقابل واقف است و درصدد تقویت نقاط قوت و حذف نقاط ضعف وی برمی‌آید. به علاوه به آگاه سازی وی از فرصت‌ها و تهدیدات محیط می‌پردازد. مدیران آگاه برای اصلاح و توسعه فردی، گروهی و سازمانی و نیز برای انتقال دانش و مهارت خود به دیگران و اصلاح آنها لازم است تا از قدرت انتقاد مثبت برخوردار باشند. چرا که در فرایند مشاوره علاوه بر مهارت فنی، مهارت انسانی و رفتاری حائز اهمیت بسیاری است. از سوی دیگر هر انسانی که مورد انتقاد قرار می‌گیرد، با بکارگیری هوشمندانه و به دور از تعصب و احساس، می‌تواند به اصلاح دانش، نگرش و مهارت‌های خود اقدام کند. در مجموع انسان‌ها نیازمند انتقاد کردن و انتقادپذیری موثر و مثبت برای تکامل خود، گروه و سازمان هستند. این نقد افراد، سازمان‌ها و جوامع را به سوی تعالی سوق می‌دهد در حالی که نقد منفی، روحیه خصومت و پرخاشگری و تضاد را گسترش داده و افراد و سازمان‌ها را به سوی عدم بهره‌وری از منابع انسانی و مادی و در نهایت نابودی آنها سوق می‌دهد. منبع: www.roshd.ir - رشد

آموزش سواد اطلاعاتی اینترنتی: یک ارزیابی انتقادی

وابستگی اینترنتیکی از مزیت های اینترنت میزان اطلاعات موجود در آن می باشد. هنگامی که یک جستجوی اینترنتی در یک موضوع انجام می شود هزاران سایت در ارتباط با آن موضوع در مقابل ما قرار می گیرد، بنابراین یک فرد بطور غالب اطلاعات نامحدودی در اختیار خواهد داشت. به عنوان مثال در این توضیح دانش آموزان دبیرستانی تصور می نمایند که اینترنت یک منبع قطعی برای هدایت تحقیقاتیشان می باشد. بهرحال در این جویبار (اینترنت) در آموزشگاه ها به مثابه سوپر بزرگراه های اطلاعاتی می باشد تا آنها را در سطح کلاس درس به عنوان یک ابزار آموزشی کمک و هدایت نماید. معلمین و کتابداران با یک وضعیت دشوار در رابطه با استفاده از اینترنت در کلاسهای درس بعنوان یک ابزار تحقیقی مواجه اند در نتیجه مدرکی در دست است که معلمین دبیرستان متوجه شده اند که دانش آموزان شیفته اینترنت هستند. کدام موضوع جستجو اهمیت دارد مهم نیست بلکه مهم اینست که دانش آموزان متقاعد شده اند که می توانند آن موضوع را در اینترنت بیابند. چه چیزی باعث جذابیت اینترنت برای دانش آموزان دبیرستانی گشته است؟ چرا آنها از منابع دیگر غافل شده اند؟ مقالات اخیر در سایت های ادب و هنر همه مثالهایی هستند از روشهایی که دانش آموزان وابستگی بیشتری به اینترنت بعنوان منبع منحصر بفرد اطلاعات پیدا کرده اند زمانیکه دانش آموزان در این فناوری مهارت پیدا کردند تازه می فهمند که دارای کمبودهایی هستند و تا هنگامی که در خط مشی های تحقیقات بصورت موثر رشد نکنند و در اطلاعات اینترنتی قضاوت نکنند آرام نمی گیرند. مشاهدات فردی دانش آموزان نشان از این دارد که آنها از اینترنت وسایتهای پذیرفته شده ادبی استفاده می نمایند. در این مقاله طراحی، توسعه و تحلیل نتایج را از یک واحد سواد اطلاعات اینترنتی را مورد بحث قرار می دهیم. آیا این وضعیت دشوار قابل اعتماد می باشد؟ درک این حقیقت که اینترنت دسترسی آسان به اطلاعات منظم و وسیع را فراهم نماید یک انگیزه قوی در دانش آموزان به منظور به کار گیری اینترنت در انجام هدایت تحقیقاتشان ایجاد می نماید. بهرحال این توانایی مجزا می نماید اطلاعات مناسب را از اطلاعات نامناسب در اینترنت که یک وظیفه پیچیده می باشد. در حدود یک سال پیش ما درگیر یک سناریوی تحقیقاتی اینترنتی در سطح دبیرستان شدیم. یکی از آن دانش آموزان در کلاس مطالعات اجتماعی از اینترنت برای پیدا کردن اطلاعاتی در موضوع **Capital Punishment** استفاده نمود. او در یک سایت نقل قولهایی را در باره مجازات مرگ سوپر م کارت جاستیس ویلیام برن و پادشاه کورتا اسکات پیدا کرد. از زمانیکه ارجاع کتابشناسی (در استفاده از سایتها) لازم شد، این دانش آموز درخواست کمک نموده تا نویسندگان (طراحان) این وب سایت مشخص شوند. مشخص نمودن یک نویسنده خاص یا یک منبع از وب سایتی کامل می تواند مشکل باشد ولی غیر ممکن نیست. بعد از تعیین مسیر برای این دانش آموز و جستجوی صفحات نمایش به چند دلیل ارتباط با یک **home page** (هوم پیج) لازم شد تا ما قادر باشیم منبع اطلاعات را تعیین نماییم. ما راهی را برای جستجوی **capital punishment** کشف کردیم. این دانش آموز به اندازه کافی باهوش بود تا بگوید او اطلاعات قابل اطمینان در اختیار نداشته و خودش این اطلاعات را بدست آورده است. بهرحال دانش آموزان زیادی هستند که کورکورانه اطلاعاتی را که در اینترنت می یابند آنرا به عنوان قسمتی از مقاله تحقیقی یا پروژه چند رسانه ای پذیرفته و مورد استفاده قرار می دهند. آموزش مهارتهای سواد اطلاعاتی بوسیله ارزیابی اینترنت برای نشان دادن فقدان درک کیفیت اطلاعات اینترنت، ما در پی توسعه و تکامل واحدی تحت عنوان واحد سواد اطلاعاتی اینترنت در طی یک دوره ۳ روزه بر آمدمیم تا تفکر انتقادی را در دانش آموزان در استفاده از اینترنت بهبود بخشیم. مشاهدات و تحقیقات ما نشان داد که یک درک ساده و بی تکلف در دانش آموزان نسبت به محتوا، ساختار و انواع اطلاعات اینترنتی بوجود آمده است. پذیرش چشم بسته اطلاعات اینترنت بوسیله عده ای از دانش آموزان یکی از دلایل انتقادی است که چرا دانش آموزان به مهارتهای سواد اطلاعاتی نیاز دارند. سواد اطلاعاتی دانش آموزان را آماده می کند تا دانش و مهارتهای لازم را بطور مناسب و موثر برای دسترسی به اطلاعات کسب نمایند. تا بطور دقیق اطلاعاتی را که آنها از هر منبعی دریافت کرده اند بصورت خاص مورد ارزیابی قرار دهند. واحد سواد اطلاعاتی اینترنتی که ما را در چنین سطحی از مطالعات

اجتمایی در سطح دبیرستان هدایت می نماید می تواند به آسانی برای هر ناحیه موضوعی مورد پذیرش قرار گیرد . اولاً ما به دانش آموزان یاد می دهیم ساختار و اصطلاح شناسی سازمان یافته را در اینترنت و اینکه چگونه URL ها را آماده کنند و مثالهایی از پیش تعیین شده وب سایتهای غیر قابل اعتماد را ترجمه و موشکافی نمایند . درک اینکه ساختار یک URL چگونه می باشد ، هر کدام از ابزارهای آماده شده شامل چه چیزهایی می شود ، روشی برای شروع ارزیابی یک سایت اینترنت می باشد . دانش آموزان نیاز دارند پسوندهای یک دومین که شامل edu ، gov ، org ، com . و غیره می باشد بفهمند . بهرحال قضاوت کردن در باره یک سایت اینترنتی بوسیله دومین و پسوندش کافی نیست . باید قضاوت را بعهد خود دانش آموزان گذاشت که اطلاعات خوب را از اطلاعات بد تشخیص دهند . در حقیقت یک استاد از دانشگاه مهندسی شمال غربی نظریه هایی را در باره تجدید نظر در باره هولوکاست از سایت NWU.edu منتشر کرد که ما را مجبور کرده تا سوالی را در این مورد طرح نماییم و بتوانیم اطلاعاتی را از سایتهای خوب دانشگاهی در این مورد بدست آوریم . ثانیاً ما نشان می دهیم یک ملاک ارزیابی پنج مرحله ای را که عموماً بوسیله کتابداران برای ارزیابی منابع و پذیرش ارزیابی اینترنت کاربرد پیدا کرده است . این ملاک شامل دقت ، مسئولیت ، هستی ، انتشار و پوشش می گردد . در این ملاک کاربرد ، ما سه سایت اینترنتی مختلف را ارزیابی می کنیم که همه آنها همان موضوع را مورد بحث قرار می دهند . هر موضوع می تواند برای اثبات و نمایش انتخاب شده باشد اما این سه وب سایت بصورت عالی راههای مختلفی را در همان موضوع به ما نشان می دهد که در اینترنت قابل انجام شدن است . در طول روز دوم و سوم واحد سواد اینترنتی ، دانش آموزان یک موضوع را از یک لیست موضوعات علوم اجتماعی انتخاب نمودند که بطور مشترک مطالعه ای بود در باره تاریخچه جهان یا برنامه آموزشی مطالعات جهانی ، از قبیل بودائیسیم ، انقلاب فرهنگی ، هستی یا حقایق انسانی . هر کدام از دانش آموزان از یکی از موتورهای جستجوی معمول در موضوع مورد نظرشان استفاده کردند . دانش آموزان برای ارزیابی وب سایتهای ازورک شیت استفاده کردند که در آن ابتدا سه وب سایت لیست شده را برای نتایج جستجویشان مورد ارزیابی قرار دادند این ساختار بصورت عملی طرح ریزی شد تا نگرش مرسوم دانش آموزان دبیرستانی را برای انجام و هدایت تحقیقشان تقلید کند . در نتیجه ما مشاهده کردیم که در بیس روزانه ، دانش آموزان بطور عموم خط مشی های جستجوی کارشناسانه ای را در انجام تحقیقشان انجام نمی دهند . در این تغییرات طبیعی اینترنت لازم است تا دانش آموزان خط مشی هایی را بصورت موثر بیاموزند که آنها را در مواجه شدن با هر وب سایتی هدایت نماید . دانش آموزان و دوگانگی اینترنت در نتیجه این فعالیت ، دانش آموزان این نتایج را مورد تحلیل قرار می دهند و دیدگاههایشان را در باره اینترنت بصورت خلاصه در می آورند و بعنوان جزئی از یادگیریشان قرار می دهند احساساتشان را در باره استفاده از اینترنت و بدست آوردن اطلاعات یادداشت می نمایند . به طور عموم ، این وضعیت معیارهای پیشنهادی را منعکس می کند که در آن اینترنت بصورت دوگانه اما واقعی برای تعداد زیادی از دانش آموزان دبیرستانی فراهم می شود . بعبارت دیگر ، در توضیحاتشان نشان از یک شیفتگی به اطلاعات اینترنت وجود دارد . بعبارت دیگر ، آنها این تغییرات را که محدودیت ها و محرومیت هایی در رابطه با تحقیقات انجام شده موثر در اینترنت وجود دارد پذیرفته اند . برای مثال ، دانش آموزی ارزش اینترنت را به این صورت خلاصه و جمع بندی کرده است : شما رشته وسیعی از اطلاعات در یک سایت اینترنت در اختیار دارید درحقیقت چنانچه دنبال کتابهایی هستید و مجبورید کتابهایی را پیدا نمایید و به آن رجوع نمایید در کامپیوتری که شما با آن کار می نمایید در مکانی مورد نظر کلیک می نمایید و آن را چاپ می کنید . بعلاوه اینکه شما می توانید در منزل وارد اینترنت شوید و مجبور نیستید به کتابخانه مراجعه نمایید . به تعبیر دیگر ، من فکر می کنم اینترنت ابزار یادگیری خوبی است . شما می توانید اطلاعاتی را که نیاز دارید به سرعت و آسانی پیدا نمایید اگر چه در این توضیحات پیشنهادی ، دسترسی به اطلاعات به عنوان مزیت عمده استفاده از اینترنت برای تحقیق مشاهده شده است . قابلیت های زیادی در اینترنت وجود دارد که نمی تواند همه اطلاعات مورد نظر ما را پوشش دهند و ممکن است با موضوع ارتباط داشته یا نداشته باشند . بعبارت دیگر

، یکی از محدودیت های بیان شده مرسوم مشکلی است که این دانش آموزان آن را تجربه کرده اند و در ذات اینترنت وجود دارد ، اگرچه توضیح زیر متصور می شود : به طور عموم من هرگز از اینترنت استفاده نمی کنم مگر اینکه مجبور باشم برای نیازهای کلاسیم از آن استفاده نمایم . اما بنظر می رسد هر زمانی که من سعی می کنم اطلاعاتی بیابم این کار برایم غیر ممکن می شود و هیچی بدست نمی آورم و من در پایان وقتم را تلف می کنم و مجبورم از کتابخانه و منابع دیگر استفاده نمایم . این حقیقت که دانش آموزان فکر کنند هیچ گونه اطلاعاتی در اینترنت در ارتباط با موضوعشان وجود ندارد یک گمراهی است . دانش آموز دیگری بصورت موجز به این نکته اشاره دارد : من معتقدم که اطلاعات کذب زیادی در اینترنت وجود دارد اما من نمی توانم تشخیص دهم میزان این اطلاعات کذب چقدر است و چگونه می توانم آن را بصورت مقالات تحقیقی یا اسلایدهای نمایشی به ثبت برسانم . آموزش موثر خط مشی های تحقیق در اطلاعیه ای که واحد سواد اینترنتی برای دانش آموزان دبیرستانی صادر نمود اطلاعات موجود در اینترنت مشخص گردید و در همان زمان مهارتهای تفکر انتقادی برای دانش آموزان توسعه پیدا کرد . ارائه دیدگاه مناسبی به دانش آموزان که منابع اینترنتی را بصورت انتقادی ارزیابی کرده به آنها کمک می کند که اطلاعات وسیعتری و درک مناسبتری از رشد مطلق اینترنت بدست آورند . در این فرایند ارزیابی وب سایت های مختلف ، دانش آموزان اطلاعات زیادی از محدودیت های اینترنت بعنوان یک ابزار تحقیقی بدست آوردند . دانش آموزان مذکور همچنین اعتقاد داشتند که نیاز به توسعه و استفاده از خط مشی های جستجوی خاص در هنگام استفاده از اینترنت لازم است . در این فرایند ارزیابی دانش آموزان یاد گرفتند که در باره انواع اطلاعات و استفاده از وب پیج ها تفاوت قائل شوند و قضاوت کنند . بر طبق نظر دانش آموز دیگری که گفته است : من فهمیدم که اینترنت می تواند برای دسترسی به اطلاعات مفید باشد ، اگر بدانید دنبال چه چیزی هستید و چه چیزی را جستجو می کنید . سواد اطلاعاتی : مهارتهای انتقادی شاید درس دیگر این باشد که این تجربه نور امید است تا نیاز به مهارتهای سواد اطلاعاتی را بصورت انتقادی در تمام دوران تحصیل در آموزشگاه ضروری بدانند . ما نمی توانیم به دانش آموزان اجازه دهیم منحصر به اینترنت برای اطلاعاتشان وابستگی پیدا کنند . ما کوشش می کنیم و نیاز داریم تا این دانش آموزان از تنوع منابع برای تحقیقشان استفاده کنند و آنها را آگاه می سازیم که اینترنت ابزار دیگری است که می تواند به انبار منابع ارزیابی اطلاعاتشان اضافه شود . این فرایند مشخص می نماید که اینترنت بصورت مستمر بر برنامه تحصیلی آموزشگاه تاثیر می گذارد این واقعیتی است که دانش آموزان به مهارتهای سواد اطلاعاتی نیاز دارند تا در عصر اطلاعات ، اطلاعات جدید را تحت کنترل خود در آورند و خبره شوند. عنوان به انگلیسی : **Teaching internet information literacy : a critical evaluation** نوشته شده توسط : **Michael Scott** مترجم : فرض الله عزیزی بر گرفته از سایت :

<http://infotoday.com/MMSchool/mar.00/osullivan&scott.htm>

چگونه انتقاد کنیم

! مرکز اطلاعات فنی ایران

آیا تاکنون به این موضوع اندیشیده اید هر گاه مشکلی در سازمان شما پیش آید با آن چگونه برخورد می کنید؟ در چنین مواردی نخستین توصیه اینست: در تصمیم گیری شتاب نورزید، به سازمان خود اعتماد داشته باشید و با عملکرد صحیح این اعتماد را نشان دهید. سپس به ریشه یابی معضل پردازید، بدون شک در تمام مراحل شناسائی مشکل باید خونسردی خود را حفظ نمائید. پس از آنکه اطلاعات مورد نیاز برای تحلیل مشکل را بدست آوردید، شرایطی مناسب برای قضاوت صحیح فراهم می آید و مشخص می گردد که آیا مشکل به وجود آمده ناشی از خطای یکی از کارمندان شماست یا روش و سیستم حاکم بر سازمان کار آئی لازم برای پیشگیری از بروز چنین معضلاتی را ندارد. شاید هم به این نتیجه برسید که گره کار و منشاء مشکل در سازمان شما نیست و همه

چیز بر مبنای سوء تفاهم شکل گرفته است. اگر در روند بررسی خود متوجه شدید که فردی یا افرادی اشتباه کرده اند دو راه پیش روی دارید، یا فرد خاطی را بدون توجه به سوابق وی و خدمات برجسته و مفیدی که انجام داده است، شدیداً مورد مؤاخذه قرار می دهید، تا درس عبرتی برای کارمند متخلف و سایرین باشد، یا روشی را در پیش می گیرید که در علم مدیریت "انتقاد سازنده" نام گرفته است. در روش اول کارمند درصدد توجیه اشتباه و دفاع از خود بر می آید و برای اثبات این موضوع با ارائه فهرستی بلند بالا از مشکلات و نارسائی های کار و زندگی خود وقت شما را هدر می دهد یا سر را به زیر افکنده و سرزنش های شما را به بهای آبروی خود تحمل می نماید. اما در عین حال از شما دلگیر شده و این آزرده گی خاطر تا مدتها با او خواهد بود. یقیناً چنین رفتاری نه تنها کارآئی سازمان را افزایش نمی دهد، بلکه اثری منفی نیز بر جای می گذارد که در غایت به صورت کاستی ها و خطاهای دیگر در کار متجلی می گردد. افزون بر این، رفتار یک مدیر کارآمد هنگام مواجهه با اینگونه مشکلات باید مؤید این نکته باشد که مدیر آگاه و مجرب کارمندان صادق و راستگو را علیرغم خطاهایشان بیشتر دوست دارد و حاضر نیست وقت خود را برای شنیدن بهانه های پوچ صرف کند. بنابراین، مدیران نباید به گونه ای عمل نمایند که کارمند خاطی به بهانه آوردن و توجیه کاستی های کارش متوسل شود. به همین دلیل، مدیران مجرب توصیه می نمایند پیش از هر چیز شیوه انتقاد کردن را مشخص نمایند و روش انتقاد را با معیارهای پذیرفته شده انسانی محک بزنید. سپس اگر واقعاً انتقاد کردن لازم است، این رهنمودها را بکار بندید: (۱) انتقاد را تا زمان مناسب از دست نرفته است انجام دهید. صبر و بردباری خوب است و به ویژه شایسته مدیران پرمشغله است. اما اگر بیش از حد زمان را تلف کنید شرایط حاکم بر محیط در زمان وقوع مشکل یا نارسائی از بین می رود و انتقاد بی معنی خواهد شد. (۲) در هر نوبت فقط در یک زمینه انتقاد کنید نه آنکه مخاطب را به باد انتقادات ریز و درشت بگیرید. (۳) تنها از روش کار انتقاد کنید نه از خود شخص یا اشخاص. (۴) انتقاد را موجز و فشرده بیان کنید. زیرا، مخاطب شما در وضعی قرار دارد که صحبت های شما را بخوبی می شنود و درک می کند. سخنرانی کردن و تکرار نکاتی که لحظه ای پیش متذکر شده اید نه تنها لزومی ندارد بلکه تأثیر کلام شما را نیز از بین می برد. (۵) توجه داشته باشید نکاتی را به عنوان انتقاد مطرح نمائید که در حیطه اختیارات و وظایف شخص مخاطب باشد، بطوری که وی بتواند در زمینه های مورد نظر شما فعالیت نماید و اشکالات کار را مرتفع سازد. (۶) تا آنجا که امکان دارد انتقاد را در پوشش "پیشنهاد" و حتی "سؤال" مطرح کنید. (۷) از گوشه و کنایه زدن به شخص مخاطب (که به ضعف مدیر در بیان تعبیر می شود) جداً پرهیزید. این کار نشانه آن است که شما از شخص عصبانی هستید نه از اینکه کار درست انجام نشده است. به همین دلیل مخاطب در جبهه مخالف شما جای خواهد گرفت و حتی اگر گفته های شما درست و منطقی هم باشد آنها را قلباً نخواهد پذیرفت. (۸) هنگام انتقاد از افراط پرهیزید و از واژه هائی مانند "همیشه"، "هرگز" و ... کمتر استفاده کنید (مثلاً نگوئید "مثل همیشه کار در دایره تدارکات گره خورد" یا "هیچ وقت نشد که بتوانم به کار شما آقای فلان اعتماد کنم" یا "صدبار گفته ام اما در شما اثر نکرده است") این کلمات فاقد کاربرد لازم و تأثیر کافی در جهت سازنده گی فرد است. در نتیجه با این رفتار، ثابت کرده اید که یا دقت نظر کافی در حل معضلات را ندارید یا منصف نیستید و در هر حال مطلب اصلی تحت الشعاع این شیوه رفتار نامعقول قرار خواهد گرفت. (۹) برای انتقاد کردن پوزش نخواهید، زیرا در این صورت چنین استنباط می شود که شما در قابل انتقاد بودن موضوع تردید دارید. (۱۰) نقاط قوت شخص را مورد تقدیر قرار دهید تا اطمینان یابد که شما خدماتش را نیز در نظر دارید. با این کار زمینه را برای پذیرش انتقاد در مخاطب فراهم کرده اید. (۱۱) حرفها و درد دل مخاطب را نیز بشنوید زیرا ممکن است در قضاوت خود به راه خطا رفته باشید. (۱۲) برای انتقاد از افراد مکان و شرایط مناسبی فراهم کنید. بهتر است انتقاد را در خلوت انجام دهید. در غایت اگر بتوانید در کارمندی که مورد انتقاد قرار می گیرد شوق ارائه کار بهتر، دقت بیشتر در انجام امور محوله، فعالیت و تحرک بیشتر و ... به وجود آورید در انتقاد از کارمند خود موفق بوده اید. در نتیجه هر روز استعدادها و قابلیت های بیشتری در سازمان شما شکوفا می شوند و چنین سازمانی بدون شک راه پیشرفت را خواهد پیمود. بالعکس، چنانچه کارمند با

خاطری پریشان، عصبی، ناامید و افسرده شما را ترک کند، باید تبعات ناخوشایند این پیشامد را در کاهش بازدهی و بهره‌وری سازمان، خدشه دار شدن جو صمیمیت و .. انتظار داشته باشید. بنابراین اگر فکر می‌کنید انتقاد لازم باشد، با تأسی از روشی اصولی، سازنده و مثبت به گونه‌ای رفتار کنید که در غایت پیامد انتقاد، دریچه‌ای بسوی شکوفائی خلاقیت‌ها و استعدادها و پیشبرد اهداف سازمانتان بگشاید. مرکز اطلاعات فنی ایران

خلاقیت، تفکر انتقادی

آنتونی وستون

خلاصه کتاب: علی اکبر ایزانلو- مترجم: کاوه بویری فصل اول: خلاقیت چیست؟ خلاقیت توانایی افکندن نوری تازه بر یک موقعیت، یک چالش یا یک مسئله است تا بدین وسیله امکان‌های جدیدی ایجاد شود که پیش از این آشکار نبوده‌اند. خلاقیت هنر گسترش امکان است؛ هنر یافتن فرصتی دور از انتظار برای پاسخ به مسائلی که از نظر بقیه کاملاً لاینحل به نظر می‌رسند. توانایی فکر کردن «بیرون از جعبه» است وقتی بقیه اصلاً نمی‌دانند که درون جعبه هستیم، خلاقیت در این معنا مهارتی است که باید مشتاقانه یاد گرفت. افراد خلاق معتقدند: آن‌ها در مقابل امور «معین» و «به ظاهر» «معلوم» متوقف نمی‌شوند؛ تخیلی قوی دارند، عادت کرده‌اند به شیوه‌های باز و انتعطاف‌پذیر فکر کنند و ذهنشان را دو قدم از اشیاء در شکل موجودشان جلوتر نگه دارند. آن‌ها مبتکرند: آگاهانه به چیزهای جدید و راه‌های جدید فکر کردن را در سر می‌پروراند. افراد خلاق منضبط و پیگیرند. خلاقیت همان‌طور که خواهیم دید نوع خاصی از بازیگوشی را می‌طلبد اما وادادن نیست و خلاقیت کار می‌طلبد. از ادیسون نقل شده است که الهام فقط یک درصد نبوغ را تشکیل می‌دهد و ۹۹ درصد بقیه، عرق جبین ریختن است. شاید او کمی مبالغه کرده باشد. من می‌گویم ۲۰ درصد الهام و ۸۰ درصد عرق ریختن؛ اما همین هم کم عرقی نیست. خلاقیت با نشان دادن دنیا آن‌طور که ممکن است باشد، چشم‌انداز کاملاً جدیدی از دنیا آن‌طور که هست به ما نشان می‌دهد. هدف نقد در نهایت، سازنده بودن است؛ اینکه تفاوتی را موجب شود. قسمت خلاقانه‌ی آن، به خصوص در همین جاست- این قابلیت که بتوان سه یا ده ایده‌ی جدید ایجاد کرد و مسائلی را که گیر کرده‌اند از گیر در آورد بزرگترین نقش نقد است. اندیش‌ی انتقادی می‌تواند نیاز به ایده‌های جدید را به ما نشان دهد، آن‌ها را پالایش دهد و تشریح کند. اما اندیشه‌ی انتقادی بدون خلاقیت فقط روی یک پا راه می‌رود. فرصت‌های بروز خلاقیت در همه چیز از کوچکترین دروس‌های روزانه تا عالم کسب و کار و بزرگترین موضوعات اجتماعی، وجود دارند. امکانات غیرمنتظره و حتی فوق‌العاده‌ای را می‌توان بررسی کرد به شرط آن که دنبال آنها بگردی. نوید خلاقیت: در ایستگاه اتوبوسمبتهنی است تاریک و طوفانی، در ماشین اسپرت دو نفری‌ات مشغول رانندگی هستی. به ایستگاه اتوبوس می‌رسی. سه نفر در ایستگاه به انتظار نشسته‌اند. یکی غریبه‌ای است که دارد از درد حمله‌ی قلبی به خود می‌پیچد؛ دیگری دوستی است قدیمی که یک بار جانت را نجات داده است؛ و نفر سوم، باور کنی یا نه، مرد یا زن رویای توست. کدامیک را سوار می‌کنی؟ ظاهراً این معمای ساده در یک امتحان‌گزینش واقعی به عنوان آزمون خلاقیت مورد استفاده قرار گرفت. غریبه را هرچه سریعتر باید به بیمارستان رساند، از طرف دیگر، زندگی‌ات را مدیون دوست قدیمی‌ات هستی؛ و دست آخر، مرد یا زن رویاهایت و این احتمال که اگر از او بگذری شاید دیگر هرگز او را نبینی و ماشین فقط برای یک نفر جا دارد. ماجرا از این قرار است که داوطلب برنده‌ی آن شغل، از بین ۳۰۰ نفر، لحظه‌ای تردید به خود را نداد که این جواب را بدهد: «کلید ماشین را به دوست قدیمی‌ام می‌دهم تا آن غریبه را به بیمارستان ببرد و بعد با زن رویاهایم منتظر اتوبوس می‌مانم. دو درس در این داستان وجود دارد. یکم که سخت نیست یاد بگیریم «که خارج از چارچوب فکر کنیم» هر چه باشد، دوم حتی اوضاعی که «مخمصه» ای تمام عیار به نظر می‌رسد، امکان‌های غیرمنتظره‌ای دارد. فصل دوم: شروع کیمیکه شامل نیروی عادت - نیاز به روش - دعوت به تداعی‌های نامتعارف می‌باشد

که برای هر یک توضیحی مختصراً داده می‌شود. نیروی عادت: در واکنش به اعتیاد ناشی از مصرف بی‌رویه‌ی مورفین در گذشته، پزشکان به اجتناب از تجویز این ارو عادت کرده‌اند که گزینه‌ی رشد خانواده‌ها و پزشکان می‌ترسیدند که مورفین اعتیادآور باشد و دارویی مخدر است هر چند امروزه منابع بسیاری گزارش می‌دهند که الزاماً اعتیادآور نیست. نیاز به روش: ما برای شکستن «گرایش» یا «فکر کردن بیرون از جعبه» به روش نیاز داریم. کافی نیست که فقط به کسی بگوییم «خلاق باش!» یا «جعبه‌ی عادت‌ها را بشکن!» بدون راهنمایی بیشتر، یکی دو قدم دور و بر همان دایره‌های قدیمی می‌رویم و از جایی نزدیک همان جای قبلی سر در می‌آوریم. دعوت به تداعی‌های نامتعارف: یک روش برای فکر کردن خارج از جعبه را معرفی می‌کند، با بررسی همین یک روش، احساس خوشایندی در تو ایجاد می‌شود - حس خوبی نسبت به اینکه چطور آن را بکار بگیری و تو چه کمکی ممکن است بکنی. روش آن است که یک «متن» را کاملاً-تصادفی انتخاب کن بعد از خودت بپرس وقتی که آن را کنار مسئله یا سوال می‌گذاری، چه تداعی‌ها یا ایده‌هایی را در ذهنت بیدار می‌کند. فعلاً-کافی است، تقریباً کافی است. چند راهنمایی سریع و یادآوری برای تداعی آزاد و به سوال یک روش خلاقیت می‌باشد عبارت است از: ۱- پیش داوری ممنوع! یعنی اینطور اظهار نظر نکن که یک تصویر تصادفی یا کلمه‌ی تصادفی هیچ تداعی آزاد مفیدی به ذهن نمی‌آورد مگر آنکه اول آن را امتحان کرده باشی. ۲- هر تداعی نا آشنا یا مسخره یا حتی تداعی تابد را هم جدی بگیر. آن‌ها هم می‌توانند چیزی القا کنند. ۳- به این کار ادامه بده. مطالعه نشان می‌دهد که معمولاً اگر از فکر پراکنی‌ها بخواهند که بیشترین ایده‌ها را بدهند، بهترین ایده‌ها را عرضه می‌کنند. یک نکته: راه حل شیمی دان مبتکر آلمانی آگوست ککوته را برای حل مسئله‌ی مولکول بنزین که راحت در مدل زنجیره‌ای ساختار مولکولی پای نمی‌گرفت. ککوله هفت سالی بود که با این مسئله کلنجار می‌رفت. یک روز مقابل شومینه خوابید و در خواب مارهایی را دید که دم یکدیگر را گاز می‌گیرند. وقتی از خواب بیدار شد فهمید که مولکول بنزین ممکن است یک شکل زنجیره‌ای خطی نباشد بلکه یک حلقه باشد و مسئله‌ی بنرنج حل شد. با این همه، اگر او با عصبانیت از خواب بیدار شده بود و به خودش گفته بود «بگذار این فکر احمقانه‌ی مارهایی را که دم یکدیگر را گاز گرفته‌اند از سرم بیرون کنم و برگردم سر مسئله!» شاید هیچ وقت نمی‌توانست آن را حل کند. فصل سوم: گزینه‌هایت را چند برابر کن منظور از گزینه‌هایت را چند برابر کن یعنی ۱- تفاوت‌ها و شباهت‌ها را پیدا کردن ۲- اعتراف کردن ۳- اشاره‌ها را گرفتن ۴- به سرعت نور فکر کردن ۵- به هم ریختن و جفت و جور کردن غراق کردن: تداعی نا متقارن یک راه و تنها یک راه برای ایجاد محرک‌هایی بدون نقشه‌ی قبلی است. راه‌های دیگری هم هست. باز هم می‌گوییم هدف این نیست که بلافاصله یک ایده‌ی به درد بخور ایجاد کنی، بلکه هدف باز کردن «جعبه» است ایجاد امکانات جدید. یک راه فوق‌العاده همین اغراق کردن است، یعنی یک جنبه از مسئله را بگیری و تا جایی که ممکن است به آن شاخ و برگ بدهی کاربرد دیگری از اغراق چیزی ست که دوبونو به آن می‌گوید روش «وسط غیر ممکن». او می‌گوید یک راه حل بی‌نقص هر چند غیر واقعی، برای مسئله‌ات تصور کن، بعد از آنجا برگرد و به یک راه حل واقعی برس. اولین گام خیالی‌ات راه حل بی‌نقص هر چند غیر واقعی، برای مسئله‌ات تصور کن. بعد از آنجا برگرد و به یک راه حل واقعی برس. اولین گام خیالی‌ات را واقعاً بزرگ بردار. بهتر است که بعداً آن را تعدیل کنی تا اینکه یک ایده‌ی نیمه‌کاره‌ی ناقص را به سمت چیزی بزرگ تر بکشانی. به سرعت نور فکر کن آلبرت انیشتین زندگی حرفه‌ای را به عنوان کارمندی در اداره‌ی ثبت اختراعات در سوئیس شروع کرد و در عین حال با یک شغل؟؟؟ پیش پا افتاده کسری‌هایش را جبران می‌کرد. (از قرار معلوم، حتی در درس ریاضی اش افتاد). او در وقت فراغت و بی‌هیچ تجهیزاتی به فیزیک می‌پرداخت. چیزی که داشت تخیل بود. بینش عمیق او نتیجه‌ی قدرت اغراق ریشه‌ای او بود. سرعت نور بسیار بالاتر از سرعتی است که کسی تا به حال با آن سفر کرده باشد یا حتی شاید بعدها بتواند سفر کند. آزمایش انیشتین دقیقاً یک « » بود، اما این آزمایش فکری به او امکان داد چیزی را ببیند که ما، در حالی که با اشیاء در دنیای معمولی سر و کار داشتیم، نمی‌توانستیم ببینیم (او قادر به درک این مسئله شد که زمان بسته بهس

رعت نسبی، متفاوت گذر می کند) انیشتین از تخیلی فعال برخوردار بود که انقلابی در فیزیک را باعث شد و دنیای ما را دگرگون کرد. راههایی برای چند برابر کردن انتخاب‌ها ۱- تداعی نامتعارف کلمه‌ها - تصویر - متن‌ها یا هر چیز تصادفی دیگر را به عنوان محرک‌ها بکار بردن و پیشروی را از آنجا سر شروع کردن. ۲- برو تو دل جمع و از دور و برت پرس و جو کن فکر پراکنی کن. ۳- مقابله و مقایسه کن. کشف کن با همان مسئله در جاهای دیگر و در وقت‌های دیگر چکار می‌کنند. ۴- اغراق کن. از راه حل‌های «بی نقص» کوتاه استفاده کن. ۵- جفت و جور کن: ترکیب‌ها و قیاس‌های غیر منتظره را امتحان کن. فصل چهارم: بنای پیروزی هایت را بگذار راه‌های پیشنهادی گسترش و عمیق کردن ایده‌ها ۱- چالش‌های عملی برای پیاده کردن ایده‌ات را در نظر بگیر. برای برطرف کردن مسائل باید ایده‌هایت را گسترش بدهی از خودت پرس که مشکلات و مخالفت‌ها کجا ممکن است سر برآورند. ۲- ایده‌ی اولیه را با مشخص‌تر کردن آن بهبود ببخش. اصطلاحات کلیدی را با شفافیت تمام توضیح بده و راه‌هایی پیدا کن که ایده‌ات را به موقع به اجرا بگذاری. بصورتی که خلاقانه آن را برای موقعیتی مشخص به کار ببری. ۳- از خودت پرس با ایده یا پیشنهادت بعد از این کار کجا می‌روی؟ برای مثال از ایده‌ی کاغذهای خوراکی شروع کنیم؛ مزه‌ی آن‌ها چطور خواهد بود؟ ۴- به نخستین شکاف خلاقانه‌ات در مورد همان مسئله قناعت نکن و به آن اضافه کن. ۵- به اولین شکاف خلاقانه‌ات ایده‌های خلاقانه‌ی جدیدی در مورد یک مسئله متفاوت اضافه کن. ۶- راه حل خلاقانه‌ات را به مسائل مشابه دیگر بسط بده. بری نیل باف و یان ایرز به این می‌گویند «راه حل‌هایی در جست و جوی مسائل». فصل پنجم: شکل دهی مجدد به مسائلشکل دهی مجدد به مسائل شامل تفکر جانبی و امکان‌یابی - پیش‌گیری را امتحان کردتفکر جانبی: تعبیر را در همه‌ی جوانب می‌توان تصور کرد، همه چیز را می‌توان مورد پرسش قرار داد و گسترده‌تر این چیزی است که دو بونو به آن می‌گویند «تفکر جانبی». پیش‌گیری را امتحان کن: همه متفق القولند که بهتر است سالم باشی تا اینکه منتظر بمانی مریض شوی و بعد به اجبار سعی کنی با بیماری‌ات کنار بیایی، ما معمولاً بر اساس این اتفاق نظر عمل نمی‌کنیم اما آن را می‌دانیم. ضرب‌المثل‌هایی که عامه‌ی مردم بازتاب پیدا کرده است. «یه مثقال پیشگیری می‌ارزه به یه من درمان» «علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد» در مورد پیشگیری می‌باشند. راه‌هایی برای چهارچوب بندی مجدد مسائلا این بخش با ارائه چند روش، از شما می‌خواهد تا به خود مسائل نه‌آنطور که معمولاً طرح می‌شوند، مجدداً فکر کنیم. چطور می‌شود آن‌ها را مجدداً تعریف کرد؟ علت آن‌ها کدامند؟ آیا اصلاً آن‌ها ضرورتاً مسئله‌اند؟ ۱- بصورت جانبی فکر کن. تمام جنبه‌های دور از ذهن مسئله را بخاطر بیاور. رویکردهای جایگزین را بررسی کن. ۲- موقعیت‌ها را درون خود مسئله پیدا کن «لیمو از زندگی، لیموناد از تو!» ۳- پیش‌گیری از وقوع مسئله را امتحان کن، چطور می‌شود پیش از سر بر آوردن، ترتیب آن را داد؟ فصل ششم: خلاقیت تمام وقتچند نکته: هیچ اجباری وجود ندارد دنیا در شکل کنونی اش باقی بماند و به همه چیز می‌توان دوباره اندیشید و تغییر داد و سعی کن همه چیز را آن‌طور که ممنک است باشد هم مجسم کنی نه فقط آن‌طور که هست. ۲- تفکر خلاقانه واقعا همین سلامتی است، برای مغزت خوب است. نکته‌ی کلیدی این است - تقریباً همه آن‌ها (مقایسه سنین جوانی و پیری) با تمرین ذهنی بیشتر کمتر کاهش پیدا می‌کند، گردش آن بهتر است، سلول‌های جدیدی سر بر می‌آورند. کافی نیست که فقط از نظر بدنی فعال باشیم. باید حسابی فکر را هم به کار بیندازی. ۳- خلاقیت در عین حال یک خدمت اجتماعی است. خلاقیت اجتماعی: مقتضیات همیشگی خود را دارد. خلاقیت را تا می‌توانی به پرده پوشی، آشکارتر، و وسوسه انگیز تر انجام بده. با مردم حرف بزن: خانواده، دوستان، دانش پژوهان یا معلم‌ها و... خلاقیت برای دنیای بهتر خلاقیت رادیکال امکان تغییر دادن دنیا را به ما نشان می‌دهد. خلاقیت رادیکال را می‌توان مثل خلاقیت روز مره عملی کرد، اما فکر کردن در مقیاس بسیار وسیع‌تری را مهیا می‌کند و از بی برنامه‌ترین و آرمان‌گرایانه‌ترین امیدها پا پس نمی‌کشد. خلاقیت روز مره خلاقیت کار آمدی مدیریت فکر کتابی از ادوارد دبوئو چنین تصور می‌شود که خلاقیت به دنیای «هنر» تعلق دارد و استعداد هنرمند را می‌طلبد، اما چنین دیدگاهی چنان کهنه و قدیمی است که گویی به قرون وسطا تعلق دارد. با این حال در همه‌ی زمینه‌ها

گروه رو به افزایش از افراد فکور وجود دارد که به این نتیجه رسیده اند که آینده نیازمند تفکر بهتر است و همین تفکر بهتر نیز به خلاقیت و نوآوری نیاز دارد. در برئو در نگارش خلاقیت کار آمد مدیریت فکر سه هدف را به دنبال می کند. ۱- درک چپس خلاقیت و منطق آن ۲- به کارگیری خواست و اراده در انجام دادن امور و کارهای خلاق ۳- بهت گیری از تکنیک های و روش های خاص تفکر خلاقدر واقع درون مایه ی کار دوبونو تفکر به عنوان یک مهارت و نیز اراته تکنیک ها و روش هایی است که هم ساده و عملی اند و هم کار آمد و توانبخش. آموزش محبت آمیز کودکان تتابی از دکتر مارشال روزنبرگمن به آموزش هایی علاقه مند که انگیزه آن ها احترام به زندگی وسیله به یادگیری مهارت ها باشد تا بر اساس این آموزش ها مطالب جدیدی بیاموزیم که ما را برای بیشتر سهیم شدن در سلامت زندگی خود و دیگران کمک کنند. با دیدن یادگیری هایی که از روی اجبار باشد، ناراحت می شوم چرا که اعتقاد دارم یادگیری بسیار ارزشمندتر از آن است که بوسیله یکی از روش های اجباری (ترس تنبیه یا بخاطر سیل به پاداش هایی در قالب نمره، یا برای فرار از احساس گناه یا شرمی با ضرورت، یادگیری بر انگیزخته شود. مطالعه درباره ی مردمی که قادرند بر دیگران تاثیر بگذارند و آ «ها را تشویق به یادگیری کنند یکی از یافته های من در نتیجه ی مطالعه در چنین افرادی، این بود که آن ها با زبانی با مردم سخن می گویند که کمکشان می کند تا یادگیری شان نشأت گرفته از احترام به زندگی باشد. فهرست مطالب فصل اول: نوید خلاقیت فصل دوم: شروع کنیم فصل سوم: گزینه هایت را چند برابر کردن فصل چهارم: مبانی پیروزی هایت را بگذر فصل پنجم: شکل دهی به مسائل فصل ششم: خلاقیت تمام وقت

بیان اصول و آداب اخلاقی نقد علمی

احمدحسین شریفی

در دوران معاصر یکی از موضوعات و مسائلی که به شدت اهتمام اندیشمندان را در پی داشته، مباحثی است که تحت عنوان تفکر نقدی مطرح می شود. در برخی رشته های دانشگاهی نیز از جمله رشته فلسفه و رشته های وابسته آن طی سال های اخیر واحدهایی با این عنوان طراحی شده است. در این رشته که گاهی از آن به تفکر انتقادی یا منطق کاربردی نیز تعبیر می شود دانشجو با انواع زیادی از مغالطه ها که بعضاً تعداد آنها به بیش از یکصد مورد می رسد آشنا می شود. آشنایی کاربردی و دقیق با این مغالطات برای کسانی که می خواهند در مواجهه با اندیشه های گوناگون و همچنین در ابراز و اظهار یا دفاع از اندیشه خاصی به شیوه منطقی برخورد کنند ضروری است. طبیعی است که ارتکاب مغالطه در رد یا دفاع از یک اندیشه علمی غیر اخلاقی است و مغالطه گر نه تنها دچار خطای منطقی و معرفتی است بلکه در صورتی که آن را از روی عمد و آگاهی انجام دهد از حیث اخلاقی نیز کاری ناپسند مرتکب شده است. با این همه آدمیان به طور طبیعی و به مقتضای ذات و سرشت انسانی خود همان گونه که حتی بی آگاهی دقیق از قواعد مدون منطق آنها را به صورت ناخود آگاه به کار می گیرند به صورت طبیعی و فطری نیز از ارتکاب مغالطات منطقی پرهیز می کنند. آنچه در این میان بسیار خطرناک است و بر جان فکر و اندیشه آدمی افتاده سرمایه حق طلبی، سعادت خواهی و حقیقت دوستی او را به یغما می برد و رشد علمی جامعه را متوقف بلکه معکوس می کند حجاب ها و لغزش های اخلاقی در ارائه افکار و اندیشه های خود یا دفاع از آنها و نیز خطاهای اخلاقی در مواجهه با اندیشه های دیگران است. به همین دلیل است که در کنار آشنایی با مغالطات منطقی آگاهی از آداب و اصول اخلاقی ناظر بر این عرصه نیز لازم است. یکی دیگر از اصول پیش فرض های مهم نقد علمی آغاز کردن از خود است. قرآن کریم در این باره به مؤمنان توصیه می کند: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ." پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نیز در این باره می فرماید: "طوبی لمن شَغَلَهُ عَيْبُهُ عَنْ عَيْبِ غَيْرِهِ ؛ "خوشا به حال کسی که پرداختن به عیوب خود او را از پرداختن به عیوب دیگران باز دارد. امام علی علیه السلام در این باره می فرماید: "اکبر العیب ان تعیب ما فیک مثله ؛ "بزرگ ترین عیب این است که چیزی را بر دیگران

عیب بدانی که خود بدان مبتلایی. بی‌تردید تأثیر اخلاقی گفتار و توصیه‌ای که خود فرد به آن عمل می‌کند به مراتب بیشتر از توصیه‌هایی است که در کردار و رفتار فرد توصیه‌کننده خلاف آنها مشاهده می‌شود. کسی که خود رطب می‌خورد اگر دیگران را نهی کند گفتار او تأثیر لازم را نخواهد داشت. یکی دیگر از اصول اخلاقی تولید علم و جنبش نرم‌افزاری وجود نقدهای عالمانه و متخصصانه است توضیح آنکه اگر در نقد علمی، ناقد در پی بیان درستی‌ها و نادرستی‌های یک اندیشه است، نخستین شرط این است که آن سخن را به درستی فهمیده باشد پس هیچ‌کس اخلاقاً مجاز نیست پیش از فهم درست و دقیق یک مدعا و به صرف داشتن یک تصور مبهم و اجمالی از آن دست به کار نقد شود. البته باید توجه داشت کسی که اندیشه گفتار یا کردار او نقادی می‌شود نباید فوراً ناقد را به عدم فهم، عجله در نقد و امثال آن متهم کند. این آفت بزرگی است که متأسفانه در عرصه نقد و نقادی و مناظرات علمی مکتوب جامعه ما از هر دو سو به وفور مشاهده می‌شود. در بسیاری پاسخ‌هایی که نویسندگان و گویندگان به نقدهای ناقدان می‌دهند نخستین مسئله این است که "نکته‌ها چون تیغ پولاد است تیز" و کسی که سپر ندارد و توانایی فهم این ظرایف و دقایق را در خود نمی‌بیند بهتر است یا پس کشد و عرض خود نبرد و نویسنده و خوانندگان را به زحمت نیندازد! یکی دیگر از مهم‌ترین مسائلی که رعایت آن شرط اصلی فهم سخن گوینده یا نویسنده و نیز شرط اصلی درک حقیقت یک گفتار یا رفتار است کنار نهادن حب و بغض هاست. تأثیر حب و بغض تا آنجاست که می‌تواند هنر را عیب و عیب را هنر جلوه دهد. هر چه به دل فرود افتد در دیده نکو نماید. "کسی که به قصد مچ‌گیری به نقد یک اندیشه یا رفتار می‌پردازد قطعاً از درک حقیقت آن عاجز خواهد بود؛ نه تنها مشکل که محال است کسی بتواند با نگاه عاشقانه یا با دیده مغرضانه و مبغضانه همه ابعاد و جنبه‌های یک فکر یا رفتار را به درستی درک کند و بتواند سره و ناسره آن را تشخیص دهد. اصولاً برای چنین کسی درک مسئله موضوعیت ندارد بلکه مسائل دیگری در میان است که او را به نقد واداشته است. البته باز هم باید توجه داشت که شخص یا اشخاصی که اندیشه یا رفتار آنان نقد شده اخلاقاً مجاز نیستند که ناقد را به سوء غرض و داشتن حب و بغض نسبت به خود متهم کنند. آنان موظفند به بررسی ادله ناقد بپردازند و درستی یا نادرستی آنها را بنمایانند. یکی دیگر از اصول اخلاقی لازم که مراعات آن نقش مهمی در تولید علم دارد پرداختن به اندیشه‌هاست؛ نه اندیشمندان. نقد انگیزه‌هاست؛ نه انگیزه‌ها. نگریستن به گفته‌هاست؛ نه گوینده‌ها و این اصلی است که متأسفانه در جامعه ما به ندرت مراعات می‌شود. کسی که نقد می‌شود به جای آنکه به پاسخ نقدهای ناقد بپردازد به کالبد شکافی نیت و انگیزه او مبادرت می‌ورزد تا جایی که هر گونه نقدی را به اندیشه‌های خود بخشی از یک توطئه بزرگ علیه اندیشمندان و فرهیختگان جامعه می‌پندارد. در حالی که اگر ما واقعاً به دنبال حقیقتیم و دغدغه سعادت خود و دیگران را داریم نباید در این عرصه به انگیزه‌ها اهمیت دهیم. به هر حال هم شخص ناقد و هم شخص یا اشخاص مورد انتقاد باید به این مهم توجه داشته باشند که نقد را از ساحت نقد اندیشه و کردار به نقد صاحب اندیشه و کردار یا مقابله با ناقد نکشانند. نقد یک سخن یا رفتار نشان دهنده اهمیت آن اندیشه یا رفتار برای ناقد است. کسی که به نقد یک اندیشه یا سخن می‌پردازد در حقیقت در جهت اصلاح و تکمیل آن گام برداشته است. بنابراین هرگز نباید نقد او را به معنای درافتادن با شخص صاحب اندیشه یا رفتار تلقی کرد؛ به تعبیر دیگر کسی که یک اندیشه را نقد می‌کند یا ناراستی‌های یک رفتار را نشان می‌دهد در پی اعلام بیزاری خود از ناراستی و نادرستی است؛ نه فردی که مرتکب آن اشتباه شده است بلکه همان طور که پیش از این گفته شد دلسوزی و احساس مسئولیت در برابر دیگران موجب می‌شود که ناراستی‌ها و نادرستی‌هایی را که در اندیشه یا کردار آنان مشاهده می‌کنیم به آنان گوشزد کنیم؛ اما متأسفانه "در فضای غیر اخلاقی نقد یک اندیشه مساوی است با درافتادن نه با یک فکر بلکه یک فرد و بل یک قوم." یکی دیگر از پیشفرض‌های اخلاقی برای تحقق جنبش نرم‌افزاری پرهیز از برچسب زدن‌های غیر اخلاقی به اندیشه‌وران و ناقدان است؛ توضیح آنکه یکی از شیوه‌های نادرست و خلاف اخلاق در مسئله نقد که متأسفانه در جامعه ما بسیار رواج دارد برچسب و انگ زدن به صاحبان اندیشه یا به ناقدان است. افراد به جای نقد اندیشه‌ها و بیان نقاط ضعف دلایل و

مستندات یک فکر یا بیان ناراستی‌های یک عمل با انتساب‌های غالباً نادرست افکار و اندیشه‌ها به افراد و مکاتب منفور و مطرود جامعه به خیال خود آن فکر را ابطال و آن اندیشه را از میدان به در کرده‌اند؛ برچسب‌هایی از قبیل "ارتجاعی" "قشری" "غربی" "غرب‌زده" "علم‌زده" "عوام‌زده" "لیبرال" "فاشیست" "مستبد" "انحصارطلب" "ملی‌گرا" "کهنه‌گرا" "ارسطویی" "پوپری" "هایدگری" "قرون وسطایی" و... که اغلب به منظور تحقیر منتقد یا شخص و گروه مورد انتقاد صورت می‌گیرد کراراً از سوی افراد مختلف در نقد دیگران یا در پاسخ به نقدها به کار می‌رود؛ در حالی که اگر اندکی بیندیشیم خواهیم دید که این برچسب‌ها حتی اگر هم درست باشند هرگز خللی در بنیان‌های منطقی یک اندیشه ایجاد نمی‌کنند. قرون وسطایی بودن یک اندیشه هرگز مستلزم نادرستی یا درستی آن نیست؛ چنان‌که نو بودن یک فکر مستلزم درستی یا نادرستی آن نیست. این عمل در حقیقت یکی از مغالطات منطقی است که معمولاً در کتاب‌های منطقی از آن به عنوان "مغالطه از طریق منشأ" یاد می‌شود و زمانی رخ می‌دهد که منتقد بخواهد یک اندیشه یا رفتار را با بیان منشأ آن و انتساب آن به شخصیت‌ها یا گروه‌های مذموم و نامطلوب نادرست معرفی کند یا شخص مورد انتقاد بخواهد نقدهایی را که به او شده است با بیان تأثیرپذیری منتقد از شخصیت‌ها یا گروه‌های منفور و مذموم پاسخ دهد رسالت

حیرت و پرسش، قلب تفکر انتقادی

حسن قاضی مرادی

انسان در جهان، رویاروی داده‌ها و اطلاعات قرار می‌گیرد. زیستن انسانی، از یک منظر، به معنای «پردازش» داده‌ها و اطلاعات است. امروزه به علت «انفجار بزرگ» داده‌ها و اطلاعات در فضای مجازی بی‌وقفه در حال گسترش، پردازش دقیق اینها هرچه دشوارتر و پیچیده‌تر می‌شود؛ داده‌ها و اطلاعاتی که اگر آگاهانه پردازش نشوند جز به اضطراب، سراسیمگی، ابهام، پریشان‌اندیشی، ندانم‌گرایی، بی‌عملی و... نمی‌انجامند. داده‌ها و اطلاعات پردازش نشده برهم انباشته می‌شوند. انباشتگی داده‌ها و اطلاعات، دانایی نیست. اولین گام رسیدن به دانایی پردازش منطقی داده‌ها و اطلاعات است. پرسشگری: قلب تفکر انتقادی نخستین گام در جهت پردازش منطقی داده‌ها و اطلاعات، پرسشگری است؛ پرسش از دقت، اعتبار و قلمرو داده‌ها و اطلاعات. حجم وسیعی از داده‌ها و اطلاعاتی که حتی به صورت تصویر، امروزه پخش می‌شوند نادقیق نامعتبر و در بسیاری مواقع دروغ هستند. پس اندیشیدن به معنای تفکر پردازش‌کننده با پرسیدن آغاز می‌شود؛ این سنگ‌بنای تفکر انتقادی است. به روند تفکر انتقادی می‌گوییم وقتی شروع می‌کنیم درباره داده‌ها و اطلاعات پرسیم: - آیا داده‌ها و اطلاعات دریافتی درباره موضوع مورد بررسی‌ام واقعا برای سنجش این موضوع ضروری است؟ اگر هست، چرا؟ اگر نیست، چرا؟ - آیا ماخذ و مرجع این داده‌ها و اطلاعات مستند و معتبر است و برای ارایه آنها صلاحیت دارد؟ - آیا داده‌ها و اطلاعات درباره موضوع، جدید است؟ اگر نه، چگونه می‌توان داده‌ها و اطلاعات جدید را یافت؟ - آیا دلخواست‌ها، اغراض، ناصداقتی، منافع یا موقعیت ذهنی ارایه‌دهندگان داده‌ها و اطلاعات جایگزین واقعیت نشده است؟ - آیا این داده‌ها و اطلاعات برای تبلیغ و اغواگری در جهت اهداف خاصی تنظیم شده‌اند؟ - آیا اینها از ماخذ و مرجع‌های گوناگونند یا فقط از یک ماخذ و مرجع سرچشمه گرفته‌اند؟ و... وقتی واقعیت در ارتباط با ذهن انسان قرار بگیرد به داده و اطلاعات تبدیل می‌شود. واقعیت نو، یعنی داده‌ها و اطلاعات نو به حیرت می‌انجامد. غلبه بر اسارت حیرت فقط با به پرسش گرفتن آن، یعنی به پرسش گرفتن داده‌ها و اطلاعات حیرت‌انگیز ممکن می‌شود. شگفتی و حیرت که به پرسش تبدیل شود روند تفکر انتقادی شروع می‌شود. عرصه واقعیتی که ما را به حیرت و پرسش می‌کشاند از ابتدایی‌ترین مسایل زندگی روزمره، کار، ارتباط با همسر و فرزندان تا گسترده‌ترین تحقیقات علمی و فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را دربرمی‌گیرد. در چنین عرصه گسترده‌ای اما پرسشگری فقط به داده‌ها و اطلاعات محدود نمی‌ماند. پرسش می‌گسترده و عمق می‌یابد، به پرسش از پاسخ‌ها، یعنی

پرسش از باورها، ایده‌ها و داوری‌های ما نیز می‌رسد. از پرسیدن اینکه این چیز چرا چنین چیزی است، می‌رسد به اینکه چطور و چگونه است که این چیز را می‌شناسم؟ چرا به واسطه این چیزی که می‌شناسم چنین تصمیمی گرفته‌ام؟ آیا با این شناسایی و تصمیم‌گیری به نتیجه‌ای که می‌خواهم می‌رسم؟ اگر به نتیجه موردنظرم نرسم چه پیش می‌آید؟ آیا می‌توانم با یک شناسایی، یعنی داوری دیگر، تصمیم دیگری بگیرم که فکر کنم این هم به نتیجه موردنظرم می‌رسد؟ چه موقعیت‌هایی را می‌توانم به تصورم آورم که شناخت و داوری موجود من، غلط و تصمیم اشتباه باشد؟ آیا به داده‌ها و اطلاعات دیگری نیاز دارم تا بتوانم به داوری و تصمیم صحیح‌تری برسم؟ آیا در موقعیتی قرار دارم که تشخیص دهم داوری‌ام نسبت به موضوع مورد بررسی‌ام درست است؟ آیا موضوع یا دغدغه‌ای که با آن درگیرم واقعا موضوع و دغدغه من است یا من با انتخاب آنها نشان می‌دهم درک نادرستی از جایگاه خود دارم و از دیگران دنباله‌روی می‌کنم؟ آنچه با آن درگیر شده‌ام تا چه حد برایم اهمیت دارد؟ آیا حاضریم پیش از تصمیم‌گیری نظر انتقادی دیگران را در مورد داوری‌ام بپرسیم؟ آیا به این فکر می‌کنم که نتیجه تصمیم بر دیگران چیست؟ به پشتوانه چه باورها و معتقداتی به این یا آن داوری در مورد مشکل خود رسیده‌ام؟ چه استدلال‌هایی برای درستی داوری خود دارم؟ چه استدلال‌هایی وجود دارند که داوری و تصمیم را رد می‌کنند؟ آیا داده‌ها و اطلاعات را آن‌گونه که دلخواهم است تعبیر و تفسیر نمی‌کنم؟ استنتاج‌هایم تا چه حد بر خود واقعیت داده‌ها و اطلاعات متکی است؟ آیا استنتاج‌های من متأثر از جانبداری، غرض‌ورزی، منفعت‌طلبی یا اصلا خودفریبی نیستند؟ اصلا آیا این درست‌ترین پرسشی است که می‌توانم درباره دغدغه و مشکل خود بپرسیم؟ آیا پرسش‌های مهم‌تری وجود دارند؟ و... پس پرسیدن فقط به پرسش از چیزهای موردنظر محدود نمی‌شود بلکه پرسش از چگونه اندیشیدن را نیز دربرمی‌گیرد. پرسشی که نشانه پردازش داده‌ها و اطلاعات است به پرسشی می‌رسد نسبت به چگونگی اندیشیدن ما، نسبت به پاسخ‌های پیشین ما، نسبت به دلخواست‌ها، اهداف و آرمان‌های ما. پاسخ به مجموعه چنین پرسش‌هایی است که تفکر انتقادی را شکل می‌دهد. چنین که باشد می‌توان تاکید کرد «پرسشگری» قلب تفکر انتقادی است. تفکر با پرسش برانگیخته می‌شود و نه با پاسخ. پاسخی نیز که زمینه‌ساز پرسش بعدی نباشد نقطه پایانی است بر تفکر. می‌توان پرسید فردی که در حوزه‌ای، مثلا فیزیک یا جامعه‌شناسی یا هنر، آموخته‌ای ندارد چگونه ممکن است شناخت از این حوزه را با پرسش آغاز کند؟ او حیرت و نادانی‌اش را به پرسش تبدیل می‌کند. سپس به جست‌وجوی کسب داده‌ها و اطلاعات و نیز آموزش می‌رود. این جست‌وجویی است که در همراهی با دیگران، به طور مستقیم یا به طور غیرمستقیم (مثلا از راه مطالعه) انجام می‌شود. در صحبت با دیگران - مستقیم یا غیرمستقیم - فرد حجمی از داده‌ها و اطلاعات کسب می‌کند. این حجم داده‌ها و اطلاعات به او آگاهی‌ای - و نه شناختی - می‌دهد که به اتکای آن می‌تواند بپرسد. واکنش به نخستین پرسش، شروع روند کسب شناخت است؛ شناختی که در «داوری» بازنمایی می‌شود. این داوری فرد را در آستانه «تصمیم‌گیری» و «عمل» قرار می‌دهد. آنچه ما را به داوری و عمل‌رهایی بخش می‌رساند از پرسیدن پرسش‌های صحیح و جست‌وجوی پاسخ‌های منطقی شروع می‌شود. اغلب ما در پرسشگری مهارتی نیافته‌ایم. ما جهان را آن‌گونه که به ما معرفی می‌شود، می‌پذیریم. وقتی هم که بپرسیم، پرسش‌مان مبهم، سطحی و چندپهلوی است. پرسش‌های ما اغلب پرسش‌هایی نیستند که جست‌وجوی گسترده و پردوام پاسخ را در مابرانگیزند، اما تا در پرسیدن و تداوم آن توانمند نشویم حتی اگر اطلاعاتی در زمینه‌ای داشته باشیم فقط آگاهی‌ای داریم که در ذهن‌مان به «خاطره» تبدیل می‌شود. ذهن ما صندوقچه اطلاعات و آگاهی‌هایی است که «مالک» آنها هستیم. اما نمی‌دانیم با آنها چه می‌توانیم بکنیم. آگاهی وقتی از تبدیل شدن به خاطره در امان می‌ماند که پیوسته پرسش برانگیزد و خودش نیز به پرسش گرفته شود. سترونی ما، در درجه نخست، ناشی از ناپرسشگری ماست: «خیلی کم‌اند انسان‌هایی که حقیقتا در جست‌وجوی شناختند. فانی یا غیرفانی، به واقع، فقط تعداد کمی می‌پرسند. برعکس، بیشتر می‌کشند تا (نظرشان درباره) ناشناخته‌ها را از آن پاسخ‌هایی بیرون کشند که از قبل به صورت توجیه، توضیح یا اشکال تسلی در ذهن خود انباشته یا شکل داده‌اند. بدون اینکه بدانند با این پاسخ‌ها چه پیشرفتی می‌یابند. به طور حقیقی پرسیدن به معنای باز کردن

در به سوی تندباد است. ممکن است پاسخ، پرسش و پرسشگر، هردو، را نابود کند.» از منظری خاص می‌توان گفت انسان، «حیوان پرسنده» است. آنچه به پرسش درمی‌آید به قلمرو زندگی انسانی وارد می‌شود. اگر نپرسم نه انسانم بنابراین نه می‌توانم جهان را انسانی کنم. پرسشی که در پاسخ حذف می‌شود در پرسش دیگری سر برمی‌کشد. پرسنده‌ای که در پاسخگویی اش حذف (نابود) می‌شود در جایگاه متعالی‌تری به پرسیدن ادامه می‌دهد. تعریف تفکر انتقادیهریک از ما در زندگی واقعی و بدون درک عمیقی از تفکر انتقادی برای قضاوت درباره دغدغه‌هایمان، آگاهانه یا ناآگاهانه، پرسش‌هایی طرح می‌کنیم. با پاسخگویی به آنها نیز آنها را می‌شناسیم و درباره‌شان تصمیم می‌گیریم. پس می‌توان گفت هریک از ما بدون دانستن تعریف دقیقی از تفکر انتقادی ادراکی شهودی نسبت به آن داریم. به واسطه همین ادراک شهودی وقتی با این پرسش مواجه می‌شویم که «تفکر انتقادی، چیست؟» می‌توانیم بگوییم اندیشیدن مستدل و عقلانی و منطقی است؛ یا تفکری که با آن می‌توان دریافتی عینی از واقعیت کسب کرد و... اینها پاسخ‌های اولیه - و البته صحیح - به چستی تفکر انتقادی‌اند. اما نظریه‌پردازان تفکر انتقادی از آغاز کوشیده‌اند تعریفی جامع و دقیق از آن ارائه دهند. این کوشش همچنان ادامه دارد بدون اینکه توافقی عمومی نسبت به تعریفی از تفکر انتقادی ایجاد شده باشد. علت اصلی این است که تفکر انتقادی شیوه تفکر در همه عرصه‌ها از علوم دقیقه و تجربی تا علوم انسانی و فلسفه و هنر است. اما آیا تفکر انتقادی در هر یک از این زمینه‌ها یکسان است! پاسخ منفی است. برای نمونه، کاربرد تفکر انتقادی در ریاضیات (مثلا جبر) و آن هم در حد آموزش دانشگاهی «مساله‌گشایی» (حل مساله) است. اما کاربرد این تفکر در عرصه هنر (مثلا نقاشی) صرفا رسیدن به نوعی تحلیل و داوری است. مراحل و مولفه‌های تفکر انتقادی در ریاضیات و هنر برای رسیدن به «نتیجه» نیز متفاوت‌اند. مثلا در مساله‌گشایی ریاضیات عواطف و احساسات ما دخالتی ندارند. اما عواطف و احساسات بنیان وجهی از داوری هنری‌اند. به علاوه، مساله جبر یک پاسخ دارد که از طریق به کار بستن دستورالعمل‌های معینی این پاسخ مشخص می‌شود. اما ارزشیابی انتقادی تابلوی نقاشی همواره به تحلیل‌ها و داوری‌های گوناگون و گاه متباینی، می‌انجامد. این به معنای ناممکن شدن شناخت سرشت و ابعاد تفکر انتقادی نیست. بلکه چندوجهی یا بسیار گونه بودن این سرشت و ابعاد را می‌نماید. نظریه‌پردازان تفکر انتقادی تعاریفی گاه مشابه و گاه متفاوت از آن ارائه کرده‌اند. نخستین تعریف عمومی از رابرت انیس است. «تفکر انتقادی تفکر عقلانی و بازتابی است که بر تصمیم‌گیری نسبت به آنچه معتقد می‌شویم یا عمل می‌کنیم متمرکز می‌شود.» در این تعریف بر عنصر تصمیم‌گیری در تفکر انتقادی تاکید می‌شود. همین نکته نشانه رویکرد عمل‌گرایانه (یا پراگماتیستی) این تعریف است. این جنبه در تاکید انیس بر تصمیم‌گیری درباره عملی که می‌خواهیم انجام دهیم نیز پررنگ‌تر می‌شود اما در این تعریف کلی ابهام‌هایی وجود دارد: آیا هر تصمیم‌گیری در مورد پذیرش هر عقیده یا انجام هر عملی در قلمرو تفکر انتقادی قرار می‌گیرد؟ آیا عواطف و احساسات انسان در پیشبرد روند این تفکر نقش ندارند یا تاثیر منفی دارند که در این تعریف فقط بر عقلانی (و بازتابی) بودن آن تاکید شده است؟ اصلا هنجارهای عینی برای عقلانی و بازتابی بودن چیستند؟ ریچارد پاول تعاریف متعددی از تفکر انتقادی ارائه می‌دهد که هر یک بر جنبه‌هایی از آن تاکید دارند. تعاریف او دو جنبه عمومی دارد: اول، بر بازتابی بودن این شیوه تفکر متمرکزند. دوم، بر مهارت‌ها و ویژگی‌هایی تاکید دارند که اندیشمند انتقادی را به داوری درباره موضوع بررسی‌اش می‌رسانند. در مورد نخست، مثلا می‌نویسد: «تفکر انتقادی هنر تفکر است درباره تفکر به شیوه‌ای که از نظر فکری (منطقی) انتظام یافته و منضبط باشد. اندیشمندان انتقادی آشکارا در سه برهه مرتبط با هم بر (روند) تفکر متمرکز می‌شوند: آنان تفکر را تحلیل می‌کنند. تفکر را ارزشیابی می‌کنند و تفکر را اعتلا می‌دهند... این سه برهه برای این است که اندیشمند انتقادی مسوولیت تفکرش را برعهده گیرد.» بازتابی بودن تفکر انتقادی، آن‌چنان که در تعریف پاول آمده به این معناست که این تفکر، تفکری است درباره خود روند تفکر. در مورد دوم، مثلا می‌نویسد: تفکر انتقادی «روند از نظر فکری انتظام‌یافته مفهوم‌سازی، کاربرد، تحلیل، ترکیب و /یا ارزشیابی ماهرانه و فعالانه اطلاعات فراهم آمده یا پدید آمده از مشاهده، تجربه، بازنمایی، استدلال یا مکالمه با دیگران است که همچون

راهنمایی برای (کسب) عقیده و (انتخاب) عمل به کار گرفته می‌شوند. در این تعریف، او تفکر انتقادی را از منظر ارتباط با موضوع مورد بررسی می‌سنجد. ریچارد پاول و همکارانش (به‌ویژه لیندا الدر) تاثیر مهمی بر نظریه‌پردازی تفکر انتقادی و اشاعه آن شخصا در حوزه‌های آموزشی داشته‌اند. با این حال انجمن فلسفه آمریکا متفکرانی را سازمان داد تا با استفاده از تحقیق و آزمایش‌های گسترده در حوزه‌های گوناگون علوم تجربی، علوم انسانی، فلسفه و... دریافت جامع‌تری از تفکر انتقادی، معیارها و مهارت‌های آن و نیز ویژگی‌های لازم برای اندیشمند انتقادی تدوین کنند. این گروه متفکران به ریاست پیترو فسیونه در پی دو سال تحقیق، گزارشی از نتیجه کار خود را تحت عنوان «گزارش دلفی» منتشر کردند. در این گزارش دریافت دقیق‌تر، منسجم‌تر و همه‌جانبه‌تری از تفکر انتقادی در قالب نظریه‌های هنجاری ارائه شده است. در آن، تعریف موجزی از تفکر انتقادی به دست داده می‌شود: تفکر انتقادی «روند (رسیدن به) داوری هدفمند خودتنظیم‌گر است. این روند بررسی مستدلی را نسبت به شواهد و مدارک، زمینه، مفهوم‌پردازی‌ها، روش‌ها و معیارها فراهم می‌آورد.» او در جای دیگری در توضیح این تعریف می‌نویسد: «تفکر انتقادی روند داوری است. هدفش عبارت است از تصمیم‌گیری در مورد آنچه باید عقیده داشت یا آنچه باید در زمینه‌ای مفروض و در ارتباط با شواهد و مدارک قابل دسترس از طریق به کار بردن مفهوم‌پردازی‌ها و روش‌های مناسب و مبتنی بر معیارهای مناسب ارزشیابی کرد.» فسیونه تفکر انتقادی را با روند کسب داوری‌ای تعریف می‌کند که دو ویژگی هدفمندی و خودتنظیم‌گری دارد. سه نکته مهم در این تعریف است: ۱- تفکر انتقادی یک روند است؛ روندی که در زمان حال متحقق می‌شود. وقتی به تفکر انتقادی همچون روند بنگریم آنگاه صرفاً به اتکای محفوظات ذهنی‌مان - آنچه از محیط اطراف‌مان، پیشینه فرهنگی‌مان یا مطالعه کتاب و... آموخته‌ایم نمی‌توانیم مدعی شویم که اندیشمند انتقادی هستیم. ۲- برای هدفمندی داوری می‌توان دو وجه در نظر گرفت: یکی هدفمندی خود روند تفکر انتقادی است که از تعبیر و تفسیر داده‌ها و اطلاعات شروع می‌شود و در داوری پایان می‌یابد. دیگری هدفمندی خود داوری در این است که سمت تصمیم و عمل درباره موضوع مورد بررسی را مشخص می‌کند. ۳- خودتنظیم‌گری داوری یا خودتصحیح‌گری و خودسنجش‌گری آن مربوط می‌شود به ویژگی بازتابی تفکر انتقادی. این تفکر با برخورداری از ویژگی خودتنظیم‌گری خود روند تفکر را به نقد می‌گیرد، آن را می‌سنجد، تصحیح می‌کند و اعتلا می‌بخشد. با این جنبه تفکر انتقادی فرد می‌تواند مسوولیت داوری خویش را بر عهده گیرد. با پذیرش چنین مسوولیتی فرد گرایش می‌یابد تا مسوولیت زندگی خویش و نظارت بر آن را بر عهده گیرد. با توضیح فسیونه در مورد «هدفمندی» و «خودتنظیم‌گری» داوری در تفکر انتقادی، به نظر می‌توان به همین تعریف موجز از تفکر انتقادی که روند کسب داوری هدفمند و خودتنظیم‌گر است، بسنده کنیم. هدف تفکر انتقادی: با این تعریف مشخص می‌شود که هدف تفکر انتقادی دستیابی به همین نوع داوری است. اما این پرسش می‌تواند مطرح باشد که اصلاً «داوری هدفمند و بازتابی» در مورد موضوعات، دغدغه‌ها، وضعیت‌ها، مشکلات، رویدادها و... برای چه انجام می‌شود. پاسخ جز این نیست که این نوع داوری ما را در ارتباط با اینها در آستانه تصمیم‌گیری و عمل قرار می‌دهد؛ تصمیم و عملی که تغییردهنده است؛ عملی که متناسب با موضوع آن می‌تواند باز و بی‌پایان باشد. این داوری به‌عنوان هدف تفکر انتقادی ما را به دانایی می‌رساند. می‌توان گفت شکل بروز دانایی، داوری هدفمند و بازتابی است. این دانایی ما را در آستانه تصمیم‌گیری و عمل قرار می‌دهد. اما خودتصمیمی‌گیری و عمل جزو تفکر انتقادی نیست. داوری هدفمند و بازتابی، برخوردار از دو مولفه فردی و اجتماعی است. هم در هدفمندی داوری و هم در بازتابی بودن آن حضور دیگران تاثیر تعیین‌کننده‌ای دارد. حضور مشارکت‌آمیز دیگران این نقش اساسی را دارد که آنان می‌توانند شناخت انتقادی متفاوت و متمایزی از موضوع، مشکل، وضعیت و... داشته باشند. شناخت‌های انتقادی بدیل به ما کمک می‌کنند تا در آینه‌شان نگرش انتقادی هرچه آگاهانه‌تری نسبت به دانایی (شناخت) خود کسب کنیم. از این طریق می‌توانیم دانایی خود را تصحیح کنیم و اعتلا دهیم. به علاوه، دیگران با پرسش‌های خود درباره روند تفکر ما - مثلاً چگونگی تعبیر و تفسیر ما از داده‌ها و اطلاعات، شیوه حرکت ما در رسیدن از داده‌ها و اطلاعات تا استدلال و

استنتاج و... - می‌توانند به ما کمک کنند به روند تفکر خود، یعنی چگونگی اندیشیدن مان، هرچه آگاه‌تر شویم. این رویکرد انتقادی دیگران نیز به ما کمک می‌کند تا وجه بازتابی داوری‌های خود را تقویت کنیم. مهارت تفکر انتقادی تفکر برای معنادار کردن رابطه‌های میان رخدادها، مفاهیم، اصول و اشیاء است و تفکر انتقادی هم اندیشیدن درباره شیوه‌ی تفکر خود است، به تعبیری، مهارت تحلیل عینی اطلاعات و تجارب را تفکر انتقادی معرفی کرده‌اند. در تفکر انتقادی عوامل موثر بر رفتارها و نگرش‌ها ابتدا مشخص شده و مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد و سعی می‌شود از مهارت‌های تفکر، بالاترین استفاده مفید صورت گیرد. در مجموع این نوع تفکر، بهره‌گیری از راهبردها و مهارت‌های شناختی به منظور بالا- بردن بازده مطلوب رفتارها است. واجدین این نوع تفکر دارای شفافیت مواضع، تصحیح نگرش‌ها و کاهش فشار ناشی از تعارضات و باورهای تحمیلی هستند. به قول معروف افراد دارای تفکر انتقادی حتی فضای لابلای کلمات را می‌فهمند و فضای خالی بین خطوط نیز برای آن‌ها تعریف و مفهوم خاصی دارد. تفکر انتقادی را می‌توان مهارت تحلیل عینی اطلاعات و تجارب دانست. ارتباط تفکر انتقادی و بهداشت روان در آن است که تشخیص و ارزشیابی عوامل موثر بر رفتار و نگرش‌ها با این ویژگی ذهنی تسهیل می‌شود. فردی که دارای مهارت تفکر انتقادی است، می‌تواند آنچه را به او ارائه یا تحمیل می‌شود، بدون بررسی دقیق، نپذیرد. برای مثال، ارزش‌ها، تعاملات اجتماعی و رسانه‌ها، بخشی از واقعیت‌های زندگی فرد است. تحلیل این عوامل به شفافیت مواضع و تصحیح نگرش‌های وی کمک خواهد کرد. در نتیجه، فشار ناشی از تعارضات و باورهای خام و تحمیلی کاهش می‌یابد و بهداشت روانی شخص کمتر در معرض آسیب‌های جدی قرار می‌گیرد. آنچه غالباً مانع تفکر انتقادی می‌شود، نوعی بی‌مهارتی در تصور مسئله در «بیرون از خویش» است. مفهومی که به آن «مسئله‌مداری» در مقابل «خودمداری» می‌گویند. خودمداری، همواره در حکم یک مانع بزرگ ذهنی، انسان را از حل مشکلات خود به طریق عینی باز داشته است. در مقابل، مسئله‌مداری، موجب خارج شدن از خود و توجه به «خود مشکل» می‌شود. انسانی که دارای تفکر انتقادی است، راه حل‌ها را یکی پس از دیگری می‌آزماید. در این حالت، پاسخ‌های او القایی، ذهنی، عاطفی و بی‌اساس نیست و از متن واقعیت بر می‌خیزد. آمیختن خصلت‌ها، امیال و احساسات با مسئله، به اتخاذ مواضع یک‌سویه و پیش‌داوری‌های کم و بیش ناقص و نارسا می‌انجامد. مطالعات دقیق ژان پیاژه (۱)، روان‌شناس سوئیسی، نشان می‌دهد که مشکل عمده‌ی کودکان در مورد واقعیت، همین خودمحوری (۲) است. به باور او، در یک روند بهنجار تحولی، انتظار می‌رود که فرد، از خودمحوری خارج گردد (۳) و به مسئله‌مداری برسد. اما متأسفانه، موانع این تحول، فراوان است و نقایص تربیتی، آموزشی و ... موجب می‌شود که او نتواند یک مسئله یا مشکل را خارج از خود و «فی‌نفسه» مورد بررسی و ارزشیابی قرار دهد. روشن است که نظام تربیتی مطلوب، همواره تفکر انتقادی را ارجح می‌نهد و با تقدیر و تقویت آن، ظهور و مداومت این نوع تفکر را تضمین می‌کند. منبع: کتاب مهارت‌های زندگی* فرارو

بررسی نقش تفکر انتقادی در زندگی اجتماعی

محمد رضا نیستانی - داوود امام وردی

شاخص‌ترین پایه شخصیت فرد، میل به اندیشیدن و توانایی فکر به صورت انتقادی است. تفکر انتقادی به افراد در حل مسائل، تصمیم‌گیری در موقعیت‌های زندگی و شکل‌گیری هویت و عادت‌ها با ثبات در شخص کمک می‌کند. جامعه هر چقدر پویاتر باشد، نیاز به اندیشمندان انتقادی بیشتر احساس می‌شود. جامعه همواره نیازمند متفکرانی است که از قضاوت خوب درباره مسائل جامعه خویش برخوردارند و میدانند که چه زمانی و چگونه مهارت‌های تفکر را در جامعه خویش بکار گیرند، برخورداری از تفکر انتقادی در جامعه سیاسی به افراد یاری میرساند تا شهروندانی آگاه و مطلع باشند و آزادی حقیقی را تجربه کنند. بنابراین، تفکر انتقادی بعنوان مهارت‌های فرد در تعبیر و تفسیر، تجزیه و تحلیل، ارزیابی و نیز شناسایی پدیده‌های اجتماعی، منبعی نیرومند در زندگی مدنی

و سیاسی محسوب میشود. با توجه به نقش اساسی تفکر انتقادی در زندگی، هدف اصلی آموزش و پرورش میبایست فراتر از کسب آسان دانش، تربیت متفکران انتقادی باشد. معنا و مفهوم تفکر انتقادی: پیدا کردن تعریفی مشترک، جامع و علمی از تفکر انتقادی برای سالها یکی از بزرگترین حوزه‌های مشاجره و مناقشه بوده است. همین نبود درک و فهم جامع از تفکر انتقادی باعث گیج شدن بسیاری از مریبان در تعریف تفکر انتقادی و غافل شدن آنها از اهمیت رشد تواناییهای تفکر شده است. دلیل نخست، برای نبود اجماع در معنا و مفهوم تفکر انتقادی به وجود مبانی و سستهای مختلف درباره این مفهوم برمیگردد که هر کدام از آنها از چشم اندازهای مختلف به آن مینگرند. دیدگاههای مختلف از تفکر انتقادی از نظریه‌های رشد شناختی، تعلیم و تربیت، روان‌شناسی و فلسفه سرچشمه میگیرند. در دیدگاه فلسفی بر مهارتهای استدلال، تجزیه و تحلیل و نظامهای منطقی تأکید میشود. (مک پک ۱۹۸۱). بررسی تاریخ تأملات فلسفی بخوبی نشان میدهد که مفهوم تفکر انتقادی، بهیچ وجه مفهوم نوبنیادی نیست و تمامی تعاریف نوظهور در این زمینه، ریشه در اندیشه‌های فلسفی از سقراط تا جان دیوئی دارد. دلیل دوم در گستردگی تفکر انتقادی، به حوزه نامحدود کاربرد تفکر انتقادی باز میگردد. امروزه مفهوم تفکر انتقادی در جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، مدیریت، صنعت و آموزش کاربرد فراوانی پیدا کرده است. دلیل سوم در پراکندگی معنا و مفهوم تفکر انتقادی اینست که برخی مدعی هستند که هر فعالیت ذهنی، متضمن تفکر انتقادی است. دلیل چهارم نبود تعریف جامع از تفکر انتقادی به مؤلفه‌های تشکیل دهنده این مفهوم برمی‌گردد. برخی تفکر انتقادی را تنها در حوزه شناخت میدانند، در حالیکه تفکر انتقادی در برگیرنده دو حوزه شناختی و تمایلات است. دلیل پنجم برای نبود اجماع در تعریف تفکر انتقادی، آن است که این مفهوم با مفاهیم مرتبط دیگر به صورت مترادف به کار میرود. در واقع، تفکر انتقادی اغلب با سایر مفاهیم، نظیر تفکر سطح بالا، حل مسئله، تفکر منطقی، استدلال و تفکر سازنده، فراسناخت و تفکر خلاق یکسان گرفته میشود. تعاریف دیوئی (۱۹۰۹) و گلاسر (۱۹۴۱) هر دو حاوی عناصری هستند که بوسیله پژوهشگران امروزی تفکر انتقادی مطرح می‌شود. هر دو تأیید میکنند که تفکر انتقادی از یکسو روشهای خاصی از مهارت است و از سوی دیگر کاربرد سازگارانه این مهارتها. گلاسر، فهرستی از تواناییها و مهارتها را بعنوان عناصر اصلی تفکر انتقادی مطرح میکند: ۱- بازشناسی مشکل ۲- یافتن ابزارها و وسایل عملی برای برخورد با این مشکلات ۳- جمع آوری و مرتب کردن اطلاعات مرتبط و مناسب ۴- شناسایی فرضیه‌ها و ارزشهای اظهار نشده ۵- فهم و کاربرد صحیح، شفاف و مشخص زبان ۶- تفسیر اطلاعات ۷- تخمین شواهد و ارزیابی اظهارات ۸- بازشناسی وجود روابط منطقی بین قضایا ۹- ارائه تعمیمها و نتایج تأیید شده ۱۰- اجرای آزمون، تعمیمها و نتایج ۱۱- احیای الگوی باورهای شخصی بر مبنای تجربه و کارآزمودگی ۱۲- ارائه قضاوتهای صحیح درباره کیفیتها و پدیده‌های خاص در زندگی روزانه. لیمن (۱۹۸۸) نیز به مانند گلاسر بطور صریح و روشن تفکر انتقادی را بعنوان یک فرایند در نظر میگیرد. وی اظهار میکند که تفکر انتقادی، تفکر مسئولانه و ماهرانه‌یی است که قضاوت خوب را تسهیل میکند، زیرا متکی بر ملاکهاست. فلسفه تفکر انتقادی بر پایه تفکر انتقادی در جامعه پیچیده امروزی نیازمند افرادی است که قادر هستند با تکیه بر تفکر و اندیشه خود بر مسائل پیرامون خویش فائق آیند و در چارچوب و چشم انداز روشنی، اطلاعات لازم را در مورد زندگی خویش جمع آوری و ترکیب کنند و با یک داوری خوب، آنها را ارزیابی نمایند و از کارهای ناممکن پرهیزند. در حقیقت، افراد برای مواجهه با مسائل زندگی و اتخاذ تصمیمهای اساسی نیازمند مهارتها و صلاحیتهای تفکر انتقادی هستند. برای اینکه فرد بتواند تصمیم مهمی در زندگی بگیرد، میبایست قدرت تجزیه و تحلیل، ارزیابی و قضاوت نسبت به شرایط زندگی خود را داشته باشد. داشتن توانایی و مهارت تفکر انتقادی به اشخاص اجازه میدهد تا بتوانند در زندگی، اطلاعات پیرامون خود را پردازش نمایند، بطور عینی به استدلال و استخراج نتایج از انواع متنوع اطلاعات پرداخته و بطور مؤثر، عینی و ملموس به ارزیابی مشکلات پردازند و با وجود اطلاعات ناقص، تصمیم‌گیری معقول و مستدلی اتخاذ نمایند. در واقع، خردمند هر کاری را به فرمان خرد و اندیشه می‌کند. بنابراین تفکر انتقادی، تفکر جوابگو (مسئول) و ماهرانه است که به قضاوت خوب افراد نسبت به خود، دیگران و

جامعه در زمان حال منجر میشود. تفکر انتقادی، تفکر اصلاح‌گراست، بطوریکه بر کشف نقاط ضعف و اصلاح کاستیهای افراد تأثیر میگذارد. بنابراین تفکر انتقادی را بایستی بعنوان یک فرایند درونی دانست که به موجب آن، وضعیت مشکل زای زندگی بطور نقادانه مورد تجزیه و تحلیل قرار میگیرد و راههای برون رفت از مشکل، بطور خردمندانه تشخیص داده میشود. تفکر انتقادی برای خلق یک جامعه دموکراتیکاز دیدگاه جامعه‌شناسان سیاسی یکی از آفتهای اجتماعی که به تداوم سلطه کمک میکند، حضور انسانهای فاقد اندیشه انتقادی در جوامع مختلف است. تجربه تاریخی در نقاط مختلف جهان نشان داده است که توده مردم همواره با حضور غیر نقادانه اش در حوزه عمومی و گزینشهای سیاسی، کفه اردوگاه خودکامه‌گان را سنگینتر میکند. تفکر انتقادی کمک میکند تا افراد جامعه، فریب نیرنگها و عوام فریبی سیاست مداران را نخورند و به تقلید نا اندیشیده از دیگران، دست نیازند. در یک حکومت مردم سالار، صرف خوب بودن برای شهروندان کافی نیست، بلکه جامعه نیازمند افرادی است که از بینش و بصیرتی برخوردار باشند که بتوانند در جامعه، راهبر خویشتن باشند، شهروند خوب به قول ادوارد گلاسر - میبایست درک درستی از مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی داشته باشد و از توانایی تفکر انتقادی درباره موضوعهای مشاجره آمیز برخوردار باشند (گلاسر، ۱۹۴۱: ۵) زندگی در اجتماع نیازمند داشتن آگاهی و قوه تحلیل انتقادی نسبت به هنجارها، فرهنگ و ساختار حکومتی و قوانین و مقررات اجتماعی است. در نظامهای سوسیالیسم، تعلیم و تربیت مبتنی بر ارزشها، هنجارها، باورها و عقاید کمونیستی است. در نظامهای توتالیتریسم و دیکتاتوری، آموزش و پرورش، در خدمت تربیت انسانهایی است فاقد قوه نقد و اندیشه، انسانهایی که تنها برای شنیدن و پذیرش بی چون و چرای ایدئولوژیهای حاکمان تربیت میشوند. در چنین نظامهایی با پرهیز از پرورش تفکر انتقادی، آموزش و پرورش بمثابة اهرم رشد و تداوم قوه قهریه حکومت بر مردم ناتوان عمل میکند. اما در نظامهای سیاسی که مبتنی بر مردم سالاری است، شهروندان برای اندیشیدن بصورت انتقادی تربیت میشوند. در نظامهای مردم سالار، تربیت در خدمت خلق ارزشهای مدنی و پرورش شهروندان نقاد، فکور، مشارکت‌جو، فعال، قانونمند، آگاه و بصیری است که ضامن رشد نظام دموکراتیک هستند. در دموکراسی هیچ مرد یا زنی نباید برده یا شورشی باشد، بلکه باید شهروند باشد. یعنی فردی باشد که سهم خود و دیگران را نسبت به حکومت بالسویه بداند. بنابراین، تحقق آرمانهای یک نظام دموکراتیک در برقراری عدالت اجتماعی، قانون‌گرایی و سعادت بشر، در سایه تربیت انسانهایی فکور و تحلیل‌گر میسر میشود. مردم در نظام مردم سالار، نباید انسانهایی خنثی در حکومت باشند، بلکه میبایستی شهروندانی باشند منتقد، کنجکاو، جستجوگر و مسئولیت‌پذیر در مسائل اجتماعی و سیاسی. نقش تفکر انتقادی در پیشرفت شغلی و حرفه‌ی تفکر انتقادی و مهارتهای آن همچنین امری ضروری و مؤلفه اصلی در اکثر رشته‌ها و حرفه‌هاست. در واقع، برخورداری از تفکر انتقادی برای موفقیت فرد در شغل و حرفه خویش گریزناپذیر است. کمتر حرفه و شغلی را میتوان یافت که نیاز به مهارتهای تفکر انتقادی نداشته باشد. اگر شخصی دارای تفکر انتقادی و تمایلات انسانی بالاتری باشد، بطور طبیعی در محل کار خویش از نفوذ بیشتری برخوردار خواهد بود و در میان همکاران نیز مقبولتر جلوه‌گر خواهد شد. تفکر انتقادی به افراد کمک میکند تا بمدد دانایی در کارهای خود توانمند و در شغل و حرفه خویش، دارای رفتارهای فراکنشی باشند، در مسائل حرفه‌یی به تعبیر و تفسیرهای فعال و ماهرانه پردازند و از طریق ارزیابی شواهد، روابط و اطلاعات در کار حرفه‌ای خویش تصمیم درستی بگیرند. در حقیقت، از طریق تفکر انتقادی، اشخاص میتوانند با طرح پرسشهای انتقادی و استدلال منطقی در مسائل شغلی خود بطور موفق تصمیم بگیرند. نقش تفکر انتقادی در مواجهه با اطلاعات فزاینده بشری داشتن قابلیت تفکر انتقادی در مواجهه با چالشهای فزاینده دنیای اطلاعات نیز بسیار با اهمیت است. آهنگ سریع تغییرات در همه زمینه‌ها و افزایش مداوم منابع اطلاعات، امروزه افراد را ملزم ساخته است تا بصورت انتقادی بیندیشند. با انفجار اطلاعات، جهان وارد عصر جدیدی گردیده که دانش بشر را به گونه‌یی حیرت‌انگیز افزایش داده است، دانش تولید شده در طول ۳۰ سال گذشته از جمع کل دانش تولید شده در طی هزار سال قبل از آن فراتر رفته است. انفجار دانش بشری، جهانی شدن و سرعت گرفتن نرخ تغییرات، تحول اساسی را در تعلیم و تربیت افراد جامعه

بسوی تفکر انتقادی موجب شده است. اگر چه امروزه استفاده از فناوریهای متنوع مانند رایانه‌ها، اینترنت و فناوریهای نوین اطلاعاتی و ارتباطی برای جوانان بسهولت قابل دسترسی است، با این حال آنها برای کار اثر بخش در محیطهای مجازی و پیچیده امروزی، به مهارتهای تفکر انتقادی نیاز دارند. آنها باید قادر باشند برای برقراری ارتباط، همکاری و کار با دیگران در موقعیتهای نامتجانس از روشهای پیچیده شناختی استفاده نمایند. در واقع امروزه مردم با اطلاعات فزاینده‌ای مواجه هستند که در رادیو و تلویزیونهای دولتی و شبکه‌های خصوصی ماهواره‌یی، در اینترنت، وبلاگ‌ها و سایتهای مختلف انتشار می‌یابد، بدون داشتن مهارتهای تفکر انتقادی، مواجه شدن با این حجم بالای اطلاعات، از نظر سیاسی و اجتماعی بسیار مضر و زیان بار است. تفکر انتقادی مبنای آموزش و پرورش‌های بخش تفکر انتقادی یکی از مهمترین عناصر آموزش و پرورش‌های بخش است تا دانش‌آموزان را برای یک جامعه پویا آماده کند. از دیدگاه بسیاری از نظریه‌پردازان، آمادگی برای مشارکت در زندگی شهری و مردم‌سالار، مبنای اصلی بنیادین در تعلیم و تربیت‌های بخش محسوب میشود. برای آنکه شهروندان بتوانند بر خود حکمرانی کنند، باید دارای اندیشه انتقادی باشند و میبایست مطابق اصول اخلاقی و ارزشهای مدنی تربیت شوند. نتیجه‌گیری در دنیایی که تحولات سریع و مخاطره‌آمیز و محدودیتهای مزمن، جزو مشخصه‌های زندگی آینده بشر شده است، هیچ گزینه‌یی جز اندیشیدن به صورت انتقادی کارساز نیست. میل و اندیشه انتقادی، یکی از مهمترین ضرورتها برای رویارو شدن با واقعتهای دنیای مدرن است. یعنی‌هایی از تخیلها و اوهام و توسل به اندیشه، عشق و امید. تفکر انتقادی در جامعه، افراد را از حالت انفعالی بیرون می‌آورد و به آنها مهارتها و تواناییهایی می‌بخشد تا بجای تقلید کورکورانه از الگوها و پذیرش بی‌چون و چرا والدین، معلمان، سیاستمداران و رسانه‌ها، بتوانند با تمسک به تفکر و اندیشه انتقادی در جستجوی حقیقت و دانایی باشند و هرگز از جستجوی حقیقت و کوشش برای درک پدیده‌های اجتماعی غفلت نورزند. تفکر انتقادی به شهروندان کمک میکند تا در مسائل عمومی، داوری هوشمندانه‌یی داشته باشند و بطور مردم‌سالارانه در حل مسائل اجتماعی سهم گردند. درجه علمی نویسندگان:

محمد رضا نیستانی: عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان داوود امام وردی: کارشناسی ارشد <http://pac.org.ir/fa/?c=content&id=171>

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتهد فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه‌های مختلف

مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

